

۴
کافهشاملوی ۳۰ میلیونی!
انتشار ۱۷ جلد کتاب جدید از احمد شاملو۵
تماشادر قلاب خاطرات
گزارش مراسم تشییع پیکر اکبر عبدی۷
کوچهدانشمند جوان
درباره شایان اویس قرن۳
افق

سازمان تنگه خلیج فارس

گفت‌وگو با کوروش احمدی درباره مقررات
ایران برای عبور کشتی‌ها از تنگه هرمز

یادداشت روز

فتر فشرده فرهنگ

وقتی الگوهای تحمیلی نتیجه معکوس می‌دهند



فرزانه ترکان

عضو شورای مرکزی و معاون فرهنگی دبیرکل
حزب کارگزاران سازندگی ایران

یکی از مسایلی که در ۴۷ سال رخ داده و البته در دوره‌های مختلف شدت و ضعف داشته، این بوده که سیستم برای علایق و سلايق مردم نیز چارچوب‌ها و فیلترهایی تعیین کرده که این موضوع به‌تدریج باعث نارضایتی و ایجاد تنش‌های اجتماعی جدی شده است. وقتی ما یک مربی فوتبال را به دلیل اینکه کراوات می‌زد، در سال‌های ابتدایی انقلاب حذف کردیم؛ وقتی یک خواننده را به دلیل اینکه ریشش را از ته می‌زد از برگزاری کنسرت منع کردیم؛ یا اگر آهنگ‌های انقلابی نمی‌خواند، اجازه بروز و ظهور به او ندادیم، این سخت‌گیری‌ها به‌تدریج ادامه پیدا کرد و به حوزه‌های مختلف رسید. ما تلاش کردیم نسل جدید، جوانان و حتی نسل‌های آینده را به سمت الگوهای هدایت کنیم که جمهوری اسلامی تعریف کرده بود؛ یعنی اگر در میان بازیگران زن یا سلبریتی‌ها فردی الزاماً چادر به سر نداشت، تلاش شد که آن فرد پرزنگ نشود و اجازه داده نشود که به عنوان یک الگو مطرح شود. این موضوع فقط در مورد بازیگران و سلبریتی‌ها نبود؛ در مورد خوانندگان، هنرمندان و حتی افرادی که در حوزه‌های علمی پیشرفت‌های چشمگیری داشتند نیز این تبعیض‌ها به‌تدریج به جامعه تحمیل شد. نتیجه این تحمیل و تلاش برای الگوسازی اجباری این شد که نسل جدید، در هر دوره، به سمت الگوهای رفت که خودش انتخاب کرده بود؛ حتی گاهی به سمت همان کسانی که ساختار رسمی روی آن‌ها خط کشیده و حذف‌شان کرده بود. نمونه آن موسیقی رپ است. ما در سال‌های گذشته اجازه ندادیم، رپر‌ها کنسرت برگزار کنند، موسیقی خودشان را به شکل رسمی ارائه دهند یا بروز و ظهور اجتماعی داشته باشند. نتیجه این شد که رپر‌ها به سمت فعالیت‌های زیرزمینی رفتند. وقتی یک جریان فرهنگی به فضای زیرزمینی رانده شود، دیگر امکان نظارت و گفت‌وگوی فرهنگی درباره آن کاهش پیدا می‌کند و حتی ممکن است برخی چارچوب‌های اخلاقی و فرهنگی نیز در محتوا و ادبیات آن تغییر کند. در واقع فتر را بیش از حد فشرده‌ایم و وقتی اجازه ندادیم، سلايق و علایق مختلف جامعه امکان بروز داشته باشند، در نهایت این فتر رها شده است. این مسئله در موارد مختلف دیده شده است. زمانی که مرحوم مرتضی پاشایی فوت شد شاید حتی بسیاری از مردم او را به‌طور جدی نمی‌شناختند اما به محض اینکه صدایش شنیده شد و مردم دریافتند که او در چارچوب رسمی چندان مورد تأیید نبوده است، اتفاقاً گرایش به او پس از مرگش چندین برابر شد و تشییع جنازه بسیار گسترده‌ای برای او شکل گرفت. همین موضوع درباره خوانندگان، موزیسین‌ها و حتی بازیگران نیز به شکل‌های مختلف تکرار شده است. مردم در بسیاری از مواقع خلاف جهت الگوهای تحمیلی حرکت کرده‌اند. امروز دیگر نسل جوان الزاماً الگوهای خود را از سینما و تلویزیون رسمی نمی‌گیرد. بسیاری از الگوهای نسل جدید از شبکه‌های اجتماعی، بلاگرها و افرادی می‌آیند که در فضای مجازی دنبال‌کننده‌های زیادی دارند؛ افرادی که حالا ممکن است این محبوبیت به حق یا ناحق شکل گرفته باشد اما در هر صورت به الگو و چهره مورد علاقه بخشی از جامعه تبدیل شده‌اند. اتفاقی که در ایران‌مال رخ داد نیز به نظر من بخشی از همین خروش‌ها و جوشش‌های اجتماعی و نوعی لجبازی اجتماعی نسل جدید با الگوهای اجباری است؛ الگویی که طی سال‌ها تلاش شده به جامعه تحمیل شود. سؤال اساسی این است که آیا می‌توان به یک روال منطقی‌تر و متعادل‌تر بازگشت؟ آیا می‌توان از افراط و تفریط فاصله گرفت و اجازه داد سلايق مختلف، گویش خودشان، موسیقی خودشان، فیلم خودشان و حتی کتاب مورد علاقه خودشان را پیدا کنند؟ آیا می‌توان از این میزان سانسور پرهیز کرد؟ به نظر من، سانسوری که جمهوری اسلامی طی این سال‌ها اعمال کرده نهایتاً نتیجه مثبت فرهنگی نداشته بلکه در بسیاری موارد پیامدهای مخربی نیز به همراه داشته است. وقتی شبکه‌های اجتماعی سانسور می‌شوند و نوجوانان نیز با استفاده از فیلترشکن به واتس‌آپ، تلگرام، اینستاگرام و حتی صفحاتی دسترسی پیدا می‌کنند که در بسیاری از کشورهای اروپایی نیز محدودیت‌هایی درباره آنها وجود دارد، ممکن است جامعه با آسیب‌های فرهنگی جدیدی مواجه شود و خانواده‌ها با مشکلات تازه‌ای روبه‌رو شوند. این پرسش همچنان باقی است که آیا عقلانیت فرهنگی می‌تواند بار دیگر به سیاست‌گذاری‌ها بازگردد و چه زمانی می‌توان به یک مسیر متعادل در حوزه فرهنگ رسید؛ مسیری که به جای حذف و محدودسازی، امکان انتخاب و تنوع را برای جامعه فراهم کند. امیدوارم این اتفاق رخ دهد.

واینک نسل ۷۰ لفا

حضور ده‌ها هزار نوجوان دهه‌نودی که با یک دعوت ساده برای دیدن یک یوتیوبر به «ایران‌مال» رفتند به پدیده جدیدی تبدیل شد. تا جایی که این مجموعه به دلیل ازدحام بیش از حد جمعیت برای ساعاتی تعطیل شد سازندگی ضمن بررسی این رخداد، این پرسش را مطرح می‌کند که چگونه مرجعیت نسل جدید جامعه ایرانی از نهادها عبور کرده و به شبکه‌های اجتماعی رسیده است؟



فائزه مومنی

گروه اجتماعی



جمعه دوم مرداد، راهروها، پارکینگ‌ها و طبقات مجتمع تجاری-تفریحی ایران‌مال صحنه‌ای شد که برای بسیاری از ناظران غیرمنتظره بود. برنامه‌ای که قرار بود، دیداری محدود میان «نیما رضایی» معروف به «نیما تکیدو» و «امیر جی‌زد» با مخاطبان باشد، در فاصله کوتاهی به تجمعی گسترده تبدیل شد. پنج هزار بلیت رایگان این برنامه در سایت تیوال کمتر از ۱۰ دقیقه رزرو شد اما گفته می‌شود ده‌ها هزار نفر، خود را به محل رسانده بودند که بسیار بیشتر از ظرفیت پیش‌بینی‌شده بود. ازدحام جمعیت، راهروها را مسدود کرد و کار به تعطیلی بخش‌هایی از ایران‌مال کشیده شد و نیما تکیدو برای خارج شدن از فشار جمعیت مجبور شد از مسیر آب‌نمای مجموعه عبور کند و از ناحیه پا آسیب ببیند، گوشی موبایل او هم به سرقت رفت. در میان تصاویر منتشرشده از این اتفاق، یک پرسش پیش از همه تکرار شد: «نیما تکیدو کیست؟» پرسشی که شاید برای بخشی از جامعه، پاسخ روشنی نداشت اما برای هزاران نوجوان و جوان حاضر در ایران‌مال، او چهره‌ای آشنا بود؛ کسی که نه از مسیر رسانه‌های رسمی بلکه از طریق شبکه‌های اجتماعی به یک چهره محبوب تبدیل شده است. شبکه‌هایی که تغییر عمیق‌تر در سازوکار تولید شهرت و مرجعیت فرهنگی را سبب شده و البته طی سال‌های گذشته بارها خود را در شکل‌های مختلف نشان داده است.

ادامه در صفحه ۷



یاستور

فرصت‌نوسازی

تأکید پزشکبان بر ضرورت بازسازی‌ها
بر پایه استانداردهای بین‌المللی



گروه سیاسی: حملات به زیرساخت‌های حمل‌ونقل، بنادر، راه‌آهن و پایانه‌های مرزی حالا فقط پرونده‌ای از خسارت‌های جنگ نیست؛ دولت می‌خواهد این ویرانی را به نقطه آغاز یک بازسازی متفاوت تبدیل کند. مسعود پزشکبان در بازدید از وزارت راه و شهرسازی ضمن آنکه حملات آمریکا به زیرساخت‌های غیرنظامی ایران را «مصادق آشکار جنایت جنگی» خواند و بر پیگیری حقوقی آن در مجامع بین‌المللی تأکید کرد از برنامه‌ای سخن گفت که هدف آن بازسازی زیرساخت‌های آسیب‌دیده بر پایه استانداردهای روز جهان و تقویت جایگاه ترانزیتی ایران در منطقه است.

رئیس‌جمهور در ادامه برنامه پایش میدانی عملکرد دستگاه‌های اجرایی روز گذشته با حضور در وزارت راه و شهرسازی آخرین وضعیت زیرساخت‌های حمل‌ونقل و لجستیک کشور را در نشستی با وزیر، معاونان و مدیران ارشد این وزارتخانه بررسی کرد؛ نشستی که محور آن، هم ارزیابی خسارت‌های جنگ و هم ترسیم مسیر بازسازی شبکه حمل‌ونقل کشور بود.

در این جلسه، گزاری جامع از وضعیت پایانه‌های مرزی، بنادر، شبکه‌های حمل‌ونقل جاده‌ای، ریلی، دریایی و هوایی، روند تأمین، حمل، تخلیه، ترخیص و توزیع کالا‌های اساسی عملکرد گمرکات و اقدامات انجام شده برای حفظ پایداری زنجیره تأمین ارائه شد. همچنین وزیر راه و شهرسازی گزارشی تفصیلی از خسارت‌های وارد شده به بنادر، پل‌ها، محورهای مواصلاتی، شبکه ریلی، پایانه‌های مرزی و دیگر زیرساخت‌های راهبردی در پی حملات آمریکا ارائه کرد.

پزشکبان پس از استماع این گزارش‌ها با بررسی روند جبران خسارت‌ها، دستور تسریع در بازسازی زیرساخت‌های آسیب‌دیده، فعال‌سازی مسیرهای جایگزین، افزایش تاب‌آوری شبکه حمل‌ونقل و تسهیل خدمات‌رسانی را صادر کرد. او حملات به پایانه‌های مرزی، گمرکات و زیرساخت‌های حمل‌ونقل زمینی، ریلی، دریایی و هوایی را «مصادق آشکار نقض حقوق بین‌الملل و جنایت جنگی» توصیف کرد و خواستار پیگیری حقوقی این اقدامات از طریق سازمان‌ها و مراجع بین‌المللی ذی‌صلاح شد.

اما بخش مهمی از سخنان رئیس‌جمهور به آینده اختصاص داشت؛ آینده‌ای که به گفته او نباید صرفاً بازسازی آنچه از بین رفته باشد بلکه باید فرصتی برای ارتقای کیفیت زیرساخت‌ها محسوب شود. پزشکبان با تأکید بر اینکه بازسازی پایانه‌ها و شبکه‌های آسیب‌دیده باید بر پایه استانداردهای بین‌المللی انجام شود و گفت: «باید از این فرصت برای احداث زیرساخت‌هایی بهره‌گیریم که از بالاترین استانداردهای روز دنیا در حوزه انبارداری، لجستیک، جابه‌جایی کالا، مدیریت هوشمند و فناوری‌های نوین برخوردار باشند».

او معتقد است، چنین رویکردی علاوه بر ارتقای کیفیت خدمات و افزایش بهره‌وری، هزینه‌های عملیاتی را کاهش داده و کارآمدی شبکه حمل‌ونقل کشور را افزایش خواهد داد؛ رویکردی که می‌تواند، بازسازی پس از جنگ را به پروژه‌ای برای نوسازی زیرساخت‌های اقتصادی کشور تبدیل کند. رئیس‌جمهور در بخش دیگری از سخنانش، توسعه همکاری‌های منطقه‌ای را از اولویت‌های راهبردی دولت دانست و با اشاره به ظرفیت‌های دیپلماسی فعال دولت گفت که بستر مناسبی برای گسترش همکاری‌های حمل‌ونقلی و ترانزیتی با کشورهای همسایه فراهم شده است. به گفته او، تکمیل و اتصال شبکه‌های ریلی ایران با همسایگان می‌تواند ضمن افزایش تاب‌آوری اقتصادی، جایگاه کشور را در کریدورهای بین‌المللی ترانزیت تقویت کرده و زمینه بهره‌گیری بیشتر از ظرفیت‌های ژئوپلیتیکی ایران را فراهم کند. پزشکبان در پایان این بازدید به‌صورت تلفنی با رئیس‌سازمان راه‌داری و حمل‌ونقل جاده‌ای، مدیرکل راهداری استان هرمزگان و یکی از پیمانکاران فعال در مناطق عملیاتی گفت‌وگو کرد؛ افرادی که به گفته دولت در خط مقدم بازسازی و حفظ پایداری شبکه حمل‌ونقل کشور فعالیت می‌کنند. رئیس‌جمهور ضمن قدردانی از تلاش‌های شبانه‌روزی نیروهای اجرایی، فنی و عملیاتی، از خدمات آنان در حفظ جریان حمل‌ونقل و تأمین نیازهای کشور تقدیر کرد.

بهارستان آنلاین شد

اولین جلسه علنی مجازی مجلس؛ تجربه‌ای نو در سایه اختلاف نظرها



گروه سیاسی: مجلس شورای اسلامی روز گذشته برای نخستین‌بار در تاریخ خود، صحن علنی را به‌جای ساختمان بهارستان به فضای مجازی برد؛ تجربه‌ای تازه که از همان نخستین ساعت، موافقان و مخالفان خود را پیدا کرد. اگر هیأت‌رئیس این جلسه را نشانه ورود مجلس به «عصر جدید قانون‌گذاری» می‌دانست، برخی نمایندگان معتقد بودند از مصوبه مربوط به برگزاری جلسات در شرایط جنگی برداشت نادرستی شده و این شیوه، کیفیت قانون‌گذاری را تحت‌تأثیر قرار می‌دهد. اولین جلسه علنی مجازی مجلس در کنار تصویب کلیات لایحه مقابله با جنایات بین‌المللی، اختلاف بر سر آینده اداره پارلمان را هم به نمایش گذاشت؛ تقابلی میان گروهی که معتقدند، مجلس بدون حضور فیزیکی بخشی از کارکرد خود را از دست می‌دهد و عده‌ای که برگزاری آنلاین، جلسات را راهی برای تداوم قانون‌گذاری در شرایط خاص می‌دانند.

مجلس شورای اسلامی روز گذشته برای نخستین‌بار در تاریخ خود، صحن علنی را به‌جای ساختمان بهارستان به فضای مجازی برد؛ تجربه‌ای تازه که از همان نخستین ساعت، موافقان و مخالفان خود را پیدا کرد. اگر هیأت‌رئیس این جلسه را نشانه ورود مجلس به «عصر جدید قانون‌گذاری» می‌دانست، برخی نمایندگان معتقد بودند از مصوبه مربوط به برگزاری جلسات در شرایط جنگی برداشت نادرستی شده و این شیوه، کیفیت قانون‌گذاری را تحت‌تأثیر قرار می‌دهد. اولین جلسه علنی مجازی مجلس در کنار تصویب کلیات لایحه مقابله با جنایات بین‌المللی، اختلاف بر سر آینده اداره پارلمان را هم به نمایش گذاشت؛ تقابلی میان گروهی که معتقدند، مجلس بدون حضور فیزیکی بخشی از کارکرد خود را از دست می‌دهد و عده‌ای که برگزاری آنلاین، جلسات را راهی برای تداوم قانون‌گذاری در شرایط خاص می‌دانند.

سوء استفاده یا ضرورت؟ جلسه روز یک‌شنبه با حضور بیش از ۲۵۰ نماینده و از طریق بسترهای الکترونیکی برگزار شد؛ اتفاقی که پیش از این در تاریخ مجلس سابقه نداشت. هرچند برگزاری جلسات مجازی در شرایط ویژه از قبل در آئین‌نامه و مصوبات مجلس پیش‌بینی شده بود اما این اولین بار بود که کل صحن علنی به‌صورت وینناری تشکیل می‌شد؛ اتفاقی که آن را به یکی از متفاوت‌ترین نشست‌های پارلمان ایران تبدیل کرد. در متن این جلسه، دستورکار اصلی بررسی «لایحه مقابله با جنایات بین‌المللی» بود که در نهایت نیز کلیات آن به تصویب نمایندگان رسید اما حاشیه‌های نخستین تجربه قانون‌گذاری آنلاین کمتر از متن جلسه خبرساز بود.

سلمان اسحاقی، سخنگوی کمیسیون بهداشت و درمان مجلس بیش از همه به نحوه برگزاری جلسه اعتراض داشت. او معتقد است، مصوبه مربوط به شرایط جنگی به‌صورت ناقص اجرا شده و هیأت‌رئیس تنها بخش مربوط به برگزاری مجازی جلسات را مبنا قرار داده، درحالی که سایر ملاحظات آن نادیده گرفته شده است. اسحاقی حتی این رویه را «سوء استفاده» هیأت‌رئیس از مصوبه مجلس خواند.

سیاست

شمارش معکوس

محمد رضا باهنر: تصورم این است که دوره ریاست پیمان جبلی تمدید نمی‌شود

گروه سیاسی: محمد رضا باهنر، چهره باسابقه اصولگرا، در روزهایی که شمارش معکوس برای پایان حکم پنج ساله رئیس سازمان صداوسیما آغاز شده است، می‌گوید: «تصورم این است که دوره ریاست پیمان جبلی تمدید نمی‌شود». هفتم مهر ماه، موعد پایان ریاست پنج ساله جبلی بر رسانه ملی است و هنوز مشخص نیست که او در ساختمان شیشه‌ای جام‌جم خواهد ماند یا صداوسیما با ریاست جدید وارد دوره تازه‌ای خواهد شد. البته هم‌زمان با این گمانه‌زنی‌ها، برخی معتقدند که مسئله صداوسیما تنها به رئیس سازمان محدود نیست و ساختار مدیریتی و ترکیب نیروهای آن مانع هرگونه تغییر جدی در سیاست‌ها و رویکردهای رسانه ملی است. اما این همه ماجرا نیست. چراکه عده‌ای دیگر بر این مهم تأکید دارند که تغییر در رأس هرم مدیریت دست‌کم می‌تواند، فرصتی برای سپردن سکان رسانه ملی به مدیری باشد که رسانه را بشناسد، از ملاحظات صرف جناحی فاصله بگیرد و با درک مخاطب امروز، بازسازی اعتماد عمومی و احیای جایگاه رسانه ملی را در دستورکار قرار دهد.

باهنر در این گفت‌وگو فقط از احتمال رفتن جبلی سخن نگفت؛ او تیغ انتقاد را متوجه عملکرد

صحن نرسیده است. خود لایحه نیز از منظر حقوقی، اهمیت قابل‌توجهی داشت. نمایندگان با تصویب کلیات آن، روند جرم‌انگاری چهار عنوان مهم حقوق بین‌الملل شامل «جنایت جنگی»، «جنایت علیه بشریت»، «جنایت تجاوز» و «نسل‌کشی» را در قوانین داخلی آغاز کردند؛ اقدامی که می‌تواند یکی از مهم‌ترین تحولات حقوقی مجلس در ماه‌های اخیر باشد.

در مقابل این انتقادهای، شماری از نمایندگان از نخستین تجربه برگزاری مجازی صحن علنی دفاع کردند. مجتبی زارعی، عضو کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس، با انتشار پیامی در شبکه اجتماعی ایکس از عملکرد هیأت‌رئیس و محمدباقر قالیباف تقدیر کرد. او نوشت که مسئولان اجرایی مجلس در ماه‌های گذشته با وجود انتقادهای و حتی اتهام‌هایی که متوجه آنها بود برای رفع موانع پیش روی قانون‌گذاری تلاش کرده‌اند. زارعی برگزاری نخستین جلسه مجازی مجلس را یکی از روزهای مهم و متفاوت پارلمان توصیف کرد و افزود که حتی غیبت نمایندگان که امکان حضور در جلسه را نداشتند نیز به‌صورت رسمی اعلام شد.

فرشاد ابراهیم‌پور، دیگر عضو هیأت‌رئیس مجلس نیز نخستین جلسه وینناری را نشانه ورود مجلس به «عصر جدید قانون‌گذاری» دانست. به گفته او، حکمرانی دیجیتال و شرایط بحرانی، پارلمان را ناگزیر کرده از ابزارهای نوین برای ادامه فعالیت بهره بگیرد؛ چراکه اداره مجلس با تکیه بر شیوه‌های سنتی دیگر پاسخگوی شرایط امروز نیست.

نخستین جلسه آنلاین مجلس در نهایت دو نگاه متفاوت به آینده پارلمان را نشان داد؛ نگاهی که آن را گامی به سوی مجلس هوشمند و استمرار قانون‌گذاری در شرایط بحرانی می‌داند و نگاهی که هشدار می‌دهد، فناوری نمی‌تواند جای تعاملات چهره‌به‌چهره و رایزنی‌های غیررسمی نمایندگان را بگیرد. همان تعاملاتی که بسیاری از تصمیم‌های مهم مجلس، پیش از آنکه پشت تریبون اعلام شوند، در راهروها و صندلی‌های صحن بر پایه آنها شکل می‌گیرد. حالا باید دید که آیا مجلس در تجربه‌های بعدی هم بدون راهروهای بهارستان می‌تواند، کیفیت تصمیم‌گیری را حفظ کند یا نه.

متفاوت را داشت؛ ظرفیتی که امروز کمرنگ شده است. او حتی فاش کرد چند ماه پیش از شهادت سید ابراهیم رئیسی در نامه‌ای به رهبر شهید، انتقادهای خود نسبت به عملکرد رسانه ملی را مطرح کرده بود.

در سویی دیگر ماجرا، حامیان جبلی قرار دارند. میثم ظهوریان، نماینده مشهد، در شبکه اجتماعی ایکس از رئیس سازمان دفاع کرد و نوشت، آنچه «پروژه سرفرازسازی جبلی» می‌نامد طی پنج سال گذشته به نتیجه نرسیده است. او دلیل این ناکامی را «صبر و معقول بودن» جبلی دانست و به جلسه اخیر هیأت دولت اشاره کرد که به گفته او، رئیس صداوسیما در برابر تهدید رئیس‌جمهور برای قطع بودجه سازمان، پاسخی «محکم و در عین حال معقول» داده است. ظهوریان اما جزئیاتی از پاسخ رئیس صداوسیما در آن جلسه ارائه نکرد. به همین دلیل ادعای او بیش از آنکه امکان ارزیابی عملکرد جبلی را فراهم کند فقط دفاعی کلی از شیوه مدیریت رئیس صداوسیما به‌نظر می‌رسد. همچنین این موضع‌گیری نشان می‌دهد که هم‌زمان با نزدیک شدن به پایان دوره ریاست جبلی، صف‌بندی موافقان و مخالفان او نیز پررنگ‌تر از گذشته شده است.

فارغ از اینکه حکم جبلی تمدید شود یا نه، مطالبه اصلی منتقدان چیز دیگری است؛ بازگشت صداوسیما به هویت رسانه ملی. پایان دوره ریاست جبلی اگر با تغییر همراه شود، الزاماً به معنای اصلاح همه مشکلات صداوسیما نیست؛ اما می‌تواند نقطه آغازی برای بازنگری در رویکردها و مدیریتی تازه باشد.



آرامکوزیر آتش

جنگ بین عربستان و یمن شدت یافت

گروه بین‌الملل: حملات تازه نیروهای مسلح یمن به تأسیسات نفتی آرامکو در جیزان و ینبع، نشانه‌ای از ورود بحران میان صنعا و ریاض به مرحله‌ای متفاوت است؛ مرحله‌ای که در آن انصارالله دیگر صرفاً به مقابله با حملات نظامی عربستان بسنده نمی‌کند بلکه می‌کوشد با انتقال هزینه‌های جنگ به قلب زیرساخت‌های اقتصادی این کشور، معادله بازدارندگی جدیدی را بر طرف مقابل تحمیل کند. در این چارچوب، شعار «محاصره در برابر محاصره و تشدید در برابر تشدید» که پیش‌تر از سوی رهبران انصارالله مطرح شده بود اکنون از سطح تهدید فراتر رفته و وارد فاز عملیاتی شده است.

یحیی سریع، سخنگوی نیروهای مسلح یمن، از اجرای دو عملیات گسترده علیه تأسیسات حساس شرکت آرامکو در جیزان و ینبع خبر داد و اعلام کرد که این حملات با استفاده از ده‌ها موشک بالستیک، موشک کروژ و پهپاد انجام شده و اهداف مورد نظر با دقت مورد اصابت قرار گرفته‌اند. به گفته وی، این عملیات پاسخی مستقیم به حملات اخیر عربستان علیه یمن بوده و در صورت ادامه تجاوزات دامنه عملیات نظامی نیز گسترش خواهد یافت.

اهمیت این حملات تنها به جنبه نظامی آنها محدود نمی‌شود بلکه انتخاب اهداف نیز حامل پیام‌های اقتصادی و سیاسی مهمی است. جیزان یکی از مهم‌ترین قطب‌های انرژی عربستان به‌شمار

می‌رود و پالایشگاهی با ظرفیت پالایش روزانه حدود ۴۰۰ هزار بشکه نفت، ده‌ها مخزن عظیم ذخیره‌سازی و یکی از بزرگ‌ترین تأسیسات فرآورش گاز این کشور را در خود جای داده است. گزارش‌هایی نیز از بروز اختلال در شبکه برق این منطقه پس از حملات منتشر شده که نشان می‌دهد، آسیب به زیرساخت‌های انرژی می‌تواند پیامدهایی فراتر از خسارات مستقیم نظامی داشته باشد.

در سوی دیگر، بندر و منطقه صنعتی ینبع نیز از مهم‌ترین مراکز صادرات انرژی عربستان محسوب می‌شود. دو پالایشگاه بزرگ این منطقه، ازجمله پالایشگاه یاسرف که با مشارکت آرامکو اداره می‌شود، نقشی کلیدی در زنجیره تولید و صادرات نفت این کشور دارند. از همین‌رو هدف قرار گرفتن این تأسیسات، هشدارى آشکار به ریاض تلقی می‌شود که در صورت ادامه درگیری‌ها، مهم‌ترین شریان‌های اقتصادی عربستان در تیررس نیروهای یمنی قرار خواهند گرفت.

تحولات اخیر در شرایطی رخ می‌دهد که تنش میان دو طرف پس از بمباران فرودگاه صنعا، از سرگیری پروازهای ایران به حدیده و حملات متقابل انصارالله به فرودگاه‌های جنوب عربستان وارد مرحله‌ای تازه شده است. انصارالله همچنان بر اجرای مطالبات خود شامل پایان کامل محاصره یمن، بازگشایی فرودگاه صنعا و بندر الحدیده، آزادی همه اسرا، خروج نیروهای سعودی و پرداخت

سازمان تنگه خلیج فارس

کوروش احمدی به سازندگی می‌گوید:

ایران برای عبور کشتی‌ها از تنگه هرمز مقرراتی ایجاد کرده است که هر کشتی برای عبور از آن باید به ۴۷ سوال پاسخ دهد

ابوالفضل خدایی

گروه بین‌الملل

هیأتی از عمان که برای رایزنی با مقام‌های ایرانی درباره سازوکار تنگه هرمز به تهران سفر کرده بود پس از چند دور گفت‌وگو به مأموریت خود پایان داد. رسانه‌های غربی، ازجمله شبکه سی‌بی‌اس، گزارش دادند که این سفر با پیشرفت‌هایی در روند مذاکرات همراه بوده و می‌تواند، زمینه‌ساز گام‌های بعدی در این پرونده حساس باشد.

در همین زمینه کوروش احمدی، دیپلمات پیشین، در گفت‌وگوی به اهمیت این سفر و ابعاد مختلف پرونده تنگه هرمز که در ماه‌های اخیر به یکی از مهم‌ترین موضوعات منطقه‌ای و بین‌المللی تبدیل شده، پرداخت و گفت: تفاهم‌نامه‌ای که امضا شد از هر نظر به‌نفع ایران بود و شاید تنها امتیازی که در آن برای آمریکا در نظر گرفته شده بود، باز شدن تنگه هرمز بود. با بسته شدن تنگه هرمز توسط ایران، طرف مقابل محاصره دریایی اعمال کرد و این دو موضوع، اصطلاحاً، در یادداشت تفاهم با یکدیگر تاخت زده شده بودند؛ یعنی بازگشایی تنگه هرمز در ازای برداشته شدن محاصره دریایی. البته یک سری نکات و ضمانت دیگر هم وجود داشت که در مجموع، از هر نظر، به سود ایران بود. ایران این دیدگاه را دارد که مدیریت تنگه هرمز باید با ایران باشد و قرائتی که از مدیریت تنگه هرمز ارائه می‌دهد، قرائتی معطوف به حاکمیت است؛ درحالی که قرائت طرف مقابل، معطوف به اداره تنگه هرمز است نه حاکمیت بر آن. در واقع طرف مقابل مسئله را در چارچوب ماده ۴۲ کنوانسیون حقوق دریاها می‌بیند. در این ماده از تنظیم قوانین و مقررات توسط کشورهای ساحلی برای تردد کشتی‌ها در تنگه‌ها سخن گفته شده است. عنوان ماده ۴۲ نیز به همین موضوع اشاره دارد و بیان می‌کند که در چارچوب این کنوانسیون و حق عبور ترانزیت مقرر شده در آن، کشتی‌های تجاری حق عبور نامحدود و غیرقابل تعلیق از تنگه‌ها را دارند. در عین حال کشورهای ساحلی می‌توانند این تردد را مدیریت کنند؛ ازجمله از طریق وضع مقررات برای تنظیم ترافیک دریایی، تعیین مسیرها و خطوط تفکیک ترافیک دریایی با تصویب سازمان دریانوردی بین‌المللی به نحو مقرر در ماده ۴۱ کنوانسیون. مطابق مفاد این ماده، کشورهای ساحلی می‌توانند با توافق یکدیگر، مسیرهایی تعیین و آن را به سازمان بین‌المللی دریانوردی پیشنهاد دهند تا پس از تصویب شورای این سازمان نهایی شود. با این حال حقوق بین‌الملل بر حق عبور ترانزیت تأکید دارد و مطابق آن کشتی‌ها از حق عبور غیر قابل تعلیق برخوردارند.

اما جزئیاتی مانند مسیر حرکت، مقررات ایمنی دریانوردی، علانم و چراغ‌های دریایی، سرعت کشتی‌ها، حق توقف یا عدم توقف، مسائل زیست‌محیطی، ماهیگیری و موارد مشابه، موضوعاتی هستند که کشورهای ساحلی طبق ماده ۴۲ می‌توانند درباره آنها قوانین و مقررات وضع کنند. قرائت طرف مقابل در چارچوب مواد ۴۱ و ۴۲ است اما قرائت ایران مبتنی بر حاکمیت بر کل تنگه هرمز است و گره اصلی اختلاف نیز همین‌جاست.

براساس این برداشت، ایران بر مبنای قرائت خود معتقد است که اداره آینده تنگه هرمز که در جمله سوم بند پنجم یادداشت تفاهم آمده باید به‌گونه‌ای باشد که مسیرهای دریایی را ایران تعیین کند و تردد نیز منحصرأ از دریای سرزمینی ایران انجام شود و در دریای سرزمینی

عمان ترددی صورت نگیرد. ایران همچنین سازمانی با عنوان «سازمان تنگه خلیج‌فارس» ایجاد کرده که براساس مقررات آن، کشتی‌ها باید به ۴۷ سوال پاسخ دهند سپس مجوز عبور دریافت کنند. تنها پس از دریافت مجوز، حق عبور خواهند داشت. جامعه بین‌المللی و طرف مقابل تاکنون چنین سازوکاری را نپذیرفته‌اند و اکنون اختلاف اصلی بر سر همین مسائل است. عمان پیشنهادی ارائه کرده بود مبنی بر اینکه دو مسیر تعیین شود؛ یکی از آب‌های سرزمینی عمان در جنوب و دیگری از دریای سرزمینی ایران. اما ایران با این پیشنهاد هنوز موافقت نکرده زیرا معتقد است، تردد باید صرفاً از دریای سرزمینی ایران و آن هم با شرایط تعیین شده، انجام شود. این موضوع ظاهراً و مطابق اخبار علنی هنوز حل‌وفصل نشده است. معضل دیگر، بحث دریافت هزینه، عوارض یا هزینه خدمات است. ماده ۴۳ کنوانسیون حقوق دریاها این پرداخت‌ها را داوطلبانه در نظر گرفته و پیش‌بینی کرده که صندوقی ایجاد شود و شرکت‌های کشتیرانی، کشتی‌های عبوری یا کشورهایی که دریاوردی برای آنها اهمیت دارد به‌صورت داوطلبانه برای مسائل زیست‌محیطی و برخی مسائل دیگر در آن مشارکت مالی کنند. این سازوکار از سال ۲۰۰۷ در تنگه مالاکا اجرا شده و تجربه‌ای در این زمینه وجود دارد.

با این حال، ایران از دریافت عوارض عبور صرف‌نظر و اعلام کرده که در قبال خدماتی که به کشتی‌ها ارائه می‌دهد، هزینه دریافت خواهد کرد. وزیر امور خارجه عمان نیز در مصاحبه‌ای تصریح کرد که «تحمیل هزینه» را نمی‌پذیریم. این گویا به این معنی است که اگر قرار است، هزینه‌ای دریافت شود باید داوطلبانه و در قبال درخواست خدمات باشد؛ یعنی کشتی ابتدا درخواست خدمات کند سپس هزینه آن راپردازد. صورت مسئله تاکنون این بوده است. حال اینکه آیا

غرامت تأکید دارد؛ مطالباتی که این گروه می‌گوید از زمان توافق نقشه راه در سال ۱۴۰۱ همچنان بدون پاسخ مانده است.

در مقابل، عربستان تلاش کرده از طریق میانجیگری قطر، عمان و نماینده سازمان ملل، سطح تنش‌ها را کنترل کند. پیشنهادهایی مانند برقراری برخی پروازها یا آزادی تعدادی از اسرا نیز در همین چارچوب مطرح شده اما از نگاه صنعا این اقدامات پاسخگوی مطالبات اصلی نبوده است. به همین دلیل پس از پایان مهلت تعیین‌شده از سوی عبدالملک الحوثی، انصارالله مرحله تازه‌ای از فشارها را با محاصره دریایی کشتی‌های مرتبط با عربستان در دریای سرخ آغاز کرد و همزمان هشدار داد که در صورت تداوم وضعیت، محاصره هوایی، گسترش عملیات به دریای عرب و اقیانوس هند، جلوگیری از صادرات نفت عربستان و حمله به زیرساخت‌های انرژی این کشور نیز در دستور کار قرار خواهد گرفت.

در چنین فضایی بسیاری از ناظران معتقدند، راهبرد جدید صنعا بر افزایش هزینه‌های اقتصادی جنگ برای عربستان استوار شده است.

در جریان سفر هیأت عمانی در جمعه و شنبه گذشته تحول یا توافق جدیدی حاصل شده یا نه هنوز روشن نیست. آقای بقایي گفته که پیشرفت‌هایی به‌دست آمده اما اینکه این پیشرفت‌ها در جهت رفع اختلافاتی باشد که توضیح دادم یا خیر، هنوز نمی‌دانیم.

احمدی در ادامه درباره بی‌اثر شدن اهرم تنگه هرمز در آینده و ایجاد مسیرهای جایگزین برای کشورهای حاشیه خلیج‌فارس گفت: متأسفانه به دلیل تحریم‌ها این ظرفیت ژئوپلیتیکی ایران تا حد زیادی تخلیه شده است. کریدورها، خطوط لوله انتقال نفت و گاز و سایر مسیرهای ترانزیتی همگی ایران را دور زده‌اند. این روند نیز به‌گونه‌ای است که حتی اگر تحریم‌ها بعدها برداشته شوند شاید دیگر قابل جبران نباشد زیرا سرمایه‌گذاری‌ها انجام شده و فرصت‌ها از دست رفته است. در مورد تنگه هرمز نیز همین نگرانی وجود دارد. اکنون این تنگه نیز در معرض دور زده شدن قرار گرفته است. برای مثال عراق که پیش از بسته شدن تنگه هرمز، بخش عمده صادرات سه، چهار میلیون بشکه نفت خود را از این مسیر انجام می‌داد اکنون در فکر احیای دو خط لوله قدیمی به سمت جیحان ترکیه در مدیترانه و بندر بنایاس سوریه در مدیترانه است. در جریان سفر علی‌الزیدی، نخست‌وزیر عراق به آمریکا نیز قراردادهایی با شرکت‌های آمریکایی منعقد شده تا این دو خط لوله احیا شوند. زیرساخت‌های آنها وجود دارد و احتمالاً احیای آنها نیز با سرعت انجام خواهد شد.

از سوی دیگر، عربستان در حال تقویت خط لوله شرق به غرب به سمت دریای سرخ است و امارات نیز خط لوله به دریای عمان در فجیره را توسعه می‌دهد. کویت و قطر نیز در حال بررسی ایجاد خطوط لوله مستقل یا استفاده از خطوط موجود هستند.

موضوع دیگر، پروژه «ایمک» (IMEC) یا کریدور هند-خاورمیانه-اروپاست؛ کریدوری که قرار است از هند آغاز شود از طریق دریای عمان به امارات برسد سپس به عربستان، اردن، اسرائیل و مدیترانه متصل شود و در نهایت به اروپا برسد.

این پروژه نه‌تنها تنگه هرمز بلکه تنگه باب‌المندب و حتی کانال سوئز را نیز تحت‌تأثیر قرار داده و ارزش ژئوپلیتیکی آنها را به‌طور جدی کاهش می‌دهد. البته خط لوله سوئد را هم باید اضافه کنیم؛ خط لوله‌ای که از دریای سرخ و از طریق مصر به مدیترانه می‌رسد و نفت عربستان را از ساحل دریای سرخ به مدیترانه منتقل می‌کند. این خط برای کاهش بار کانال سوئز ایجاد شده و ممکن است بیش از گذشته تقویت شود. بنابراین با توجه به بحران‌های اخیر، تلاش‌ها برای ایجاد مسیرهای جایگزین در جریان است. اگر مسئله تنگه هرمز به شکلی پایدار، ماندگار و بر پایه تفاهمی عمیق حل نشود و وضعیت به‌صورت موقت و ناپایدار باقی بماند، طبیعی است که تمرکز بیشتری بر مسیرهای جایگزین ایجاد شود. اگر مسئله تنگه هرمز به‌صورت پایدار و با تفاهمی جدی حل نشود این خطر وجود دارد که اهرمی که امروز در اختیار ایران است و می‌تواند نقش بازدارنده در برابر حملات احتمالی در آینده به ایران داشته باشد به تدریج کارایی خود را از دست بدهد.



از دید انصارالله، آسیب‌پذیری اقتصاد عربستان در برابر اختلال در صادرات نفت و امنیت تأسیسات انرژی، نقطه‌ضعفی است که می‌تواند، موازنه قدرت را تغییر دهد. در مقابل، ریاض نیز می‌کوشد با فعال کردن کانال‌های دیپلماتیک، ازجمله رایزنی با پاکستان، آمریکا و دیگر میانجی‌های منطقه‌ای، پرونده یمن را با مذاکرات مربوط به آتش‌بس و امنیت تنگه هرمز پیوند بزند تا از گسترش دامنه بحران جلوگیری کند.

با این حال استمرار حملات به زیرساخت‌های نفتی عربستان نشان می‌دهد که بحران یمن دیگر صرفاً یک نبرد میدانی نیست بلکه به رویارویی بر سر امنیت انرژی و اقتصاد منطقه تبدیل شده است. اگر روند کنونی ادامه یابد نه‌تنها معادله بازدارندگی جدیدی میان صنعا و ریاض شکل خواهد گرفت بلکه بازار جهانی انرژی نیز بیش از گذشته تحت‌تأثیر تحولات این تقابل قرار خواهد گرفت؛ وضعیتی که می‌تواند همه بازیگران منطقه را ناگزیر به جست‌وجوی راهکاری سیاسی برای مهار بحران کند.

دیپلماسی

هشدار صریح ایران به اوکراین

تهران خواستار واکنش شورای امنیت شد

وزارت امور خارجه در بیانیه‌ای تعرض نظامی اوکراین به شناور تجاری ایرانی در دریای خزر در بامداد شنبه ۳ مرداد که موجب انفجار کشتی و شهادت یک ملوان و زخمی شدن یک نفر دیگر شد را محکوم کرد. به نوشته وزارت خارجه این اقدام، نقض بند ۴ ماده ۲ منشور ملل متحد و مصداق عمل تجاوزکارانه است که می‌تواند، آتش جنگ را بیش از پیش شعله‌ور کرده و گسترش دهد. دستگاه دیپلماسی در این بیانیه اعلام کرد: تعرض رژیم اوکراین به شناور تجاری ایران در دریای خزر که صراحتاً از سوی رئیس آن رژیم مورد اذعان قرار گرفته است، نشانه تداوم رویکرد غیرمنطقی و خصمانه رژیم اوکراین نسبت به جمهوری اسلامی ایران است. وزارت خارجه همچنین هشدار داد: بدیهی است مسئولیت پیامدهای ناشی از ماجراجویی رئیس رژیم اوکراین برعهده آن رژیم و حامیان و محرکان آن خواهد بود. همچنین شامگاه شنبه، کاردار موقت اوکراین در تهران از سوی منوچهر مردی، دستیار وزیر امور خارجه و مدیرکل اوراسیا احضار شد و مراتب اعتراض شدید شورمان به این اقدام خصمانه و مجرمانه به وی ابلاغ شد. در این جلسه احضار به کاردار اوکراین تذکر داده شد که حمله به شناور تجاری ایران در دریای خزر نه‌تنها نقض اصول بنیادین منشور ملل متحد و مصداق عمل تجاوزکارانه است بلکه تهدیدی آشکار علیه امنیت همه کشورهای ساحلی است و دولت اوکراین باید در این زمینه پاسخگو باشد و آمران و عاملان این جنایت را مجازات کند. همچنین تأکید شد که جمهوری اسلامی ایران قاطعانه از امنیت و منافع ملی خود دفاع کرده و تعرض به جان و دارایی شهروندان خود را بی‌پاسخ نخواهد گذاشت. در همین حال سیدعباس عراقچی، وزیر امور خارجه ایران در تماس تلفنی با «کایا کالاس»، مسئول سیاست خارجی اتحادیه اروپا ضمن محکومیت شدید و قاطعانه حمله نظامی رژیم اوکراین به یک شناور تجاری جمهوری اسلامی ایران در دریای خزر، خواستار واکنش قاطع شورای امنیت سازمان ملل متحد، اتحادیه اروپا و جامعه بین‌المللی و پاسخگو کردن عاملان و حامیان این اقدام جنایتکارانه شد.



ویترین

شاملوی ۳۰ میلیونی!

مجموعه‌ای ۱۷ جلدی از آثار منتشر نشده
و پراکنده احمد شاملو



بسیاری او را بزرگ‌ترین شاعر معاصر می‌دانند و عده‌ای نیز تاریخ شعر مدرن ایران را به پس و پیش از او تقسیم می‌کنند. هرچه که باشد، دیگر تردیدی نیست که هیچ شاعری در قرن گذشته به اندازه احمد شاملو در کانون توجه و تحسین نبوده است. دوم مرداد امسال ۲۶ سال از خاموشی شاملو گذشت، اما پرونده او هنوز بسته نشده است. هر بار که نامش به میان می‌آید، تنها شعرهایش نیست که خوانده می‌شود؛ اندیشه‌ها، مواضع و تأثیرش بر شعر معاصر نیز دوباره محل گفت‌وگو و گاه نزاع قرار می‌گیرد.

نشر چشمه به‌تازگی و به مناسبت گذشت یک قرن از تولد او، مجموعه‌ی ۱۷ جلدی «فریادهای عاصی آذرخش» را زیر نظر همسرش آیدا سرکیسیان و با همکاری فرید درفش‌ی و سولماز سپهری‌آزاد منتشر کرده که شامل برخی آثار منتشر نشده‌ی احمد شاملو و غالباً آثار پراکنده‌ی او در مطبوعات روزهای دور است. این مجموعه حاصل سال‌ها جست‌وجو، گردآوری و بررسی آرشیوهای مطبوعاتی و اسناد شخصی شاملو است؛ آثاری که برخی هرگز منتشر نشده بودند و برخی دیگر تنها در نشریات قدیمی و کمیاب منتشر شده و طی دهه‌ها از دسترس خوانندگان دور مانده بودند. «فریادهای عاصی آذرخش» تنها مجموعه‌ای از نوشته‌های پراکنده نیست؛ بلکه تصویری گسترده از جهان فکری و ادبی احمد شاملو ارائه می‌کند؛ از شعر و طرح‌های شعر گرفته تا داستان، ترجمه، نامه‌ها، گفتارهای متن، سخنرانی‌ها، گفت‌وگوها، یادداشت‌های ادبی و اجتماعی و نوشته‌هایی که بخش مهمی از فعالیت‌های فرهنگی او را در بیش از نیم‌قرن رقم زده‌اند.

تفکیک مجلدات این مجموعه براساس موضوع، و مبنای تدوین آثار در هر دفتر براساس تقدم تاریخی است (در وهله نخست تاریخ نگارش و در وهله دوم تاریخ انتشار). در نگاهی کلی آثار منتشر شده در این مجموعه بر دو گونه است: الف. بخش قابل‌توجهی از نوشته‌های چاپ‌نشده شاملو که از آن میان می‌توان به «شعرا» و «طرح‌های شعر»، «سخنرانی‌ها، تعدادی «نامه»، «گفتارهای متن» چند فیلم مستند، پیش‌نویس ترجمه چهار رمان که نیمه‌کاره مانده، بخشی از برده نخست نمایش‌نامه آنتیگون و داستان منظوم گودال حیوانات اشاره کرد. ب. نوشته‌های قبلاً منتشر شده‌ای که در نشریات سال‌های دور و در

مطبوعاتی کمیاب و گاه نایاب به‌صورت پراکنده انتشار یافته است.

گردآوری این مجموعه که به مناسبت صدسالگی شاملو کلید خورد، سال‌ها زمان برده و گرد آوردنش محتاج دقتی بسیار بوده چراکه شاملو گاه با نام‌های مستعار قلم می‌زده، و هم‌چنین در مجلاتی که خودش منتشر کرده بسیاری از نوشته‌هایش را بدون امضا به چاپ رسانده است. این مجموعه یکی از مهم‌ترین پروژه‌های پژوهشی درباره آثار احمد شاملو در سال‌های اخیر به‌شمار می‌رود و برای پژوهش‌گران، علاقه‌مندان ادبیات معاصر و دوستداران شعر و اندیشه شاملو، منبعی کم‌نظیر و ارزش‌مند است.

فهرست مجلدات مجموعه «فریادهای عاصی آذرخش» عبارتند از: دفتر اول: شعر، دفتر دوم: داستان‌های تألیفی، دفتر سوم: داستان‌های ترجمه (دهه‌های ۲۰ و ۳۰)، دفتر چهارم: داستان‌های ترجمه (دهه‌های ۴۰ تا ۶۰)، دفتر پنجم: رمان ترجمه ناتمام، دفتر ششم: سایر آثار ترجمه، دفتر هفتم: نمایش‌نامه، فیلم‌نامه و گفتار متن فیلم، دفتر هشتم: سخنرانی، دفتر نهم: کنگره نویسندگان آلمان (اینترلیت)، دفتر دهم: گفت‌وگو (۱۳۵۸ و ۱۳۵۹)، دفتر یازدهم: گفت‌وگو (۱۳۶۶ و ۱۳۶۷)، دفتر دوازدهم: گفت‌وگو (۱۳۶۸ و ۱۳۶۹)، دفتر سیزدهم: گفت‌وگو (۱۳۷۱ تا ۱۳۷۸)، دفتر چهاردهم: یادداشت‌ها و مقاله‌ها (دهه‌های ۲۰ و ۳۰)، دفتر پانزدهم: یادداشت‌ها و مقاله‌ها (دهه‌های ۴۰ تا ۷۰)، دفتر شانزدهم: نامه‌ها، دفتر هفدهم: پاسخ به نامه‌ها.



دقیق و سخت‌گیر

گزارش یادبود ابوالحسن نجفی با سخنرانی نصرالله پورجوادی و ...

نشست یادبود ابوالحسن نجفی، مترجم، زبان‌شناس و پژوهش‌گر برجسته، در قالب یکی از شب‌های بخارا برگزار شد؛ نشستی که بهانه‌ای شد تا جمعی از چهره‌های فرهنگی و دانشگاهی، ابعاد مختلف کارنامه او را بازخوانی کنند.

به گزارش ایننا، بزرگداشت ابوالحسن نجفی با پیام ویدئویی علیرضا انوشیروانی آغاز شد. او در پیامش با اشاره به جایگاه ابوالحسن نجفی، او را از چهره‌های اثرگذار فرهنگ معاصر ایران دانست؛ شخصیتی که فعالیت‌هایش تنها به ترجمه محدود نمی‌شد و در حوزه‌های مختلف زبان، نقد ادبی، ویرایش و آموزش نیز تأثیری ماندگار بر جای گذاشت. انوشیروانی یادآور شد نجفی ازجمله کسانی بود که با دقت و وسواس کم‌نظیر خود، معیارهایی تازه برای کار با زبان فارسی ایجاد کرد و نشان داد ترجمه تنها انتقال واژه‌ها از زبانی به زبان دیگر نیست، بلکه آفرینی دوباره در زبان مقصد است.

پاس‌دار سلامت و زیبایی زبان فارسی

پس از این پیام، نصرالله پورجوادی درباره نگاه فلسفی و زبان‌شناختی نجفی به زبان سخن گفت و بحث خود را از جمله‌ای آغاز کرد که به باور او کلید فهم دیدگاه نجفی درباره زبان است: «حقیقت زبان در دل است». او در ادامه توضیح داد منظور از این تعبیر، تفاوت میان ظاهر و باطن زبان است: «حقیقت زبان، یک باطن دارد؛ معناهایی که جای آن‌ها در دل است». پورجوادی با اشاره به مفهوم «دل» در سنت فکری ایرانی توضیح داد که این واژه در گذشته تنها به‌معنای احساسات و عواطف به کار نمی‌رفته، بلکه به مرتبه‌ای از ادراک درونی اشاره داشته است؛ مفهومی نزدیک به «نوس» در فلسفه یونانی

که فیلسوفان آن را با عقل مرتبط می‌دانستند و در سنت عرفانی نیز جایگاه ویژه‌ای پیدا کرده است. این پژوهش‌گر افزود: «در فلسفه ایرانی، فلسفه زبان را نمی‌توان از متافیزیک و نگاه کلی به هستی جدا کرد. در این سنت، وجود دارای مراتب مختلفی است؛ از عالم مینوی و مراتب معنوی هستی تا جهان محسوس که انسان با حواس خود آن را درک می‌کند. آن‌چه انسان در جهان مادی می‌بیند، ظاهر هستی است و حقیقت آن در مرتبه‌ای باطنی قرار دارد که با عقل یا از منظر عرفانی با دل قابل دریافت است». او با اشاره به سنت زرتشتی گفت: «در این نگاه، زبان و کلام دارای جایگاهی مقدس هستند. براساس این دیدگاه، آموختن زبان از سوی اهورامزدا به زرتشت را نباید صرفاً یک رخداد تاریخی دانست، بلکه می‌توان آن را اشاره‌ای به سرچشمه معنوی زبان در وجود انسان تلقی کرد». پورجوادی سپس این دیدگاه را با مفهوم «لوگوس» در سنت مسیحی مقایسه کرد و گفت: «در انجیل یوحنا نیز آمده است: «در ابتدا کلمه بود». در این نگاه، کلمه جایگاهی بنیادین در آفرینش دارد و زبان تنها ابزاری برای انتقال پیام نیست، بلکه پیوندی میان انسان و حقیقت هستی ایجاد می‌کند». او در ادامه با اشاره به تعریف رایج امروز از زبان گفت: «امروز زبان را بیشتر وسیله‌ای برای تفهیم و تفاهم و ارتباط می‌دانند». به باور او، این تعریف بخشی از کارکرد زبان را توضیح می‌دهد، اما تمام حقیقت آن نیست. او یکی از جنبه‌های مهم باطن زبان را زیبایی دانست و گفت: «کارکرد زبان این است که تجلی حسن در زبان صورت بگیرد». به گفته او، شعر اصیل از همین مسیر عمل می‌کند؛ یعنی زیبایی در کلام می‌تواند انسان را با معناهای عمیق‌تر و باطن جهان مرتبط کند.

پورجوادی در ادامه به کتاب «غلط نویسیم» ابوالحسن

نجفی پرداخت و گفت: «اگر زبان را فقط وسیله‌ای برای انتقال پیام بدانیم، ممکن است به این نتیجه برسیم که هر نوع بیان قابل فهمی پذیرفتنی است و دیگر نمی‌توان از درست و غلط یا زیبا و زشت در زبان سخن گفت. اما اگر برای زبان جایگاهی فراتر از ارتباط صرف قائل باشیم، زیبایی، دقت و تناسب میان لفظ و معنا اهمیت پیدا می‌کند. از همین منظر می‌توان درباره دروغ یا زشتی در زبان نیز سخن گفت؛ زیرا زبان تنها مجموعه‌ای از نشانه‌ها نیست، بلکه دارای ارزش‌های انسانی و زیبایی‌شناختی است. یکی از کارهای مهم نجفی این بود که همچون یک معلم زبان، تلاش کرد از زیبایی و سلامت زبان فارسی پاسداری کند».

در جست‌وجوی بهترین کلمات

بخش دیگری از این نشست به یادآوری خاطرات و تجربه‌های نزدیکان و همکاران نجفی اختصاص داشت؛ خاطراتی که تصویری از مترجمی دقیق، کم‌حرف و سخت‌گیر در کار ارائه می‌کرد. یکی از این روایت‌ها مربوط به حسین معصومی‌همدانی بود که از نخستین دیدارهای خود با نجفی در انتشارات فرانکلین و تأثیر او بر مسیر ترجمه و زبان فارسی سخن گفت. معصومی‌همدانی با اشاره به آشنایی خود با نجفی در دهه ۱۳۵۰، از دقت و وسواس‌گونه او در انتخاب واژه‌ها یاد کرد. او خاطره‌ای از زمانی نقل کرد که نجفی برای یک جمله فرانسوی چندین معادل فارسی نوشته بود و از او خواسته بود بهترین گزینه را انتخاب کند. به گفته معصومی‌همدانی، همین دقت نشان می‌داد که نجفی ترجمه را صرفاً انتقال مفهوم نمی‌دانست، بلکه به‌دنبال یافتن دقیق‌ترین و زیباترین شکل بیان در زبان فارسی

گزارش: سینمای ایران

در قاب خاطرات

مراسم تشییع پیکر اکبر عبدی با حضور خیل دوستداران

زندگی گام می‌زند اما در عمل آنها دارند به مهم‌ترین بخش زندگی ناخنک می‌زند. عبدی هم یک کم‌دین بود و از این نظر توانسته به حافظه تاریخی ایرانی‌ها بچسبد و جزئی از آن شود. به همین دلیل است که شاید خبر مرگ او مثل هر کم‌دین بزرگ دیگری، ممکن است ابتدا باعث شود که مخاطبش با این تصور که این خود شوخی جدیدی است، به آن لبخند بزند. با این‌وجود، روز گذشته حضور پرتعداد آشنایان، همکاران و علاقه‌مندان او به‌نوعی تیتراژ پایانی بر یک عمر فعالیت او، که بخش اعظم‌اش کم‌دین بود، محسوب می‌شد. اکبر عبدی صبح روز گذشته روی دوش همکاران و دوستانش از مقابل تالار وحدت، به قطعه هنرمندان بهشت‌زها بدرقه شد تا از او مجموعه‌ای از نقش‌های متنوع و خاطراتی تصویری به‌جای بماند.

مهم‌ترین چهره‌ها

در میان آن‌همه چهره‌های معروف در تشییع جنازه اکبر عبدی، بی‌شک نقش اول‌ها همسر و دخترش بودند. معصومه قاسمی، همسر اکبر عبدی، چند سالی بود که عکس‌ها و مشخصاتش در کنار این بازیگر در فضای رسانه‌ای منتشر و او به علاقه‌مندانش معرفی شد. همسر عبدی در مراسم تشییع او گفت: «ما کم‌دین داریم، خیلی خوب هم داریم، از این به بعد قدرشان را بیشتر بدانیم. اکبر همیشه زنده است برای سرزمین ایران». المیرا، دختر اکبر عبدی نیز گفت: «سه ماه بابام نتوانست نفس بکشد. من و مامانم تلاش کردیم خوب شود اما نتوانست. یک‌دهم محبت‌هایش را نتوانستیم جبران کنیم. پدر من خیلی آدم بزرگی بود. بازیگر بود. بازی می‌کرد



گزارش: سینمای ایران

جادوی تدوین و «وحشی»

وقتی فیلم یا سریالی دوباره متولد می‌شود

سال‌هاست که درباره کارگردان‌ها، فیلم‌بردارها و بازیگران بسیار نوشته‌ایم اما کمتر به کسانی پرداخته‌ایم که شاید آخرین و



حسن تهرانی

کارگردان سینما

سرنوشت‌سازترین خالق یک فیلم باشند؛ تدوینگرانی که در سکوت، دوباره جهان را می‌آفرینند. این نوشته، آغاز مجموعه‌ای از مقالات من درباره تدوینگران سینمای ایران است؛ هنرمندانی که بسیاری از مهم‌ترین لحظه‌های سینمای ما، مدیون نگاه، ریتم و شهود آنان است. می‌گویند فیلم سه بار ساخته می‌شود؛ نخست روی کاغذ، سپس هنگام فیلم‌برداری و بار سوم پشت میز تدوین. من همیشه باور داشته‌ام که این جمله، بیش از آنکه یک تعبیر شاعرانه باشد، حقیقتی انکارناپذیر است. زیرا تدوین تنها کنار هم قرار دادن نماها نیست؛ تدوین، فیلم‌سازی دوباره است. فرصتی دوباره برای خدا شدن؛ برای آنکه زمان را متوقف کنی، آن را به عقب برگردانی، لحظه‌ای را طولانی‌تر کنی، لحظه‌ای دیگر را حذف کنی و جهانی را از نو بنا سازی؛ جهانی که شاید هنگام فیلم‌برداری هرگز چنین صورتی نداشته است. هر برش، یک تصمیم اخلاقی و زیبایی‌شناسانه است. هر سکوت، هر مکث، هر نگاه که چند فریم بیشتر دوام می‌آورد یا چند ثانیه زودتر قطع می‌شود، می‌تواند سرنوشت یک صحنه را تغییر دهد. تدوینگر، زمان را مانند مجسمه‌سازی می‌تراشد تا معنایی تازه از دل تصاویر بیرون بیاورد.

تماشای مجموعه «وحشی» بار دیگر این حقیقت را به یاد آورد. هومن سیدی، که سال‌ها با جدیت سینمای جهان را دیده و زبان آن را آموخته، به‌خوبی می‌داند که ضرب‌آهنگ، تنها مسئله سرعت نیست؛ مسئله تنفس روایت است. او می‌داند که ریتم، همان چیزی است که تماشاکار را وادار می‌کند بی‌اختیار قسمت بعدی را آغاز کند، بی‌آنکه احساس کند این اشتیاق چگونه در او شکل گرفته است. در «وحشی» کمتر صحنه‌ای را می‌توان یافت که بیش از اندازه درنگ کند یا زودتر از موعد پایان یابد. هر برش، انگار پاسخ برش قبلی است. روایت مدام به جلو رانده می‌شود، اما این شتاب هرگز به آشفتگی تبدیل نمی‌شود. تعادل دشواری که تنها با شناخت دقیق تدوین ممکن است. یکی از ویژگی‌های چشمگیر «وحشی» آن است که تنش، فقط محصول داستان نیست؛ محصول فاصله میان نماهاست. گاهی یک نگاه کوتاه که تنها چند فریم بیشتر باقی می‌ماند، اضطرابی می‌آفریند که هیچ دیالوگی قادر به خلق آن نیست. گاهی حذف یک واکنش، از نشان دادن آن تأثیرگذارتر است. این همان جایی است که تدوین، از یک مهارت فنی عبور می‌کند و به زبان سینما بدل می‌شود.

در بسیاری از سکانس‌های این مجموعه، هومن سیدی اجازه نمی‌دهد احساسات بر روایت غلبه کنند. او به تماشاکار اعتماد دارد. به‌جای آنکه همه‌چیز را توضیح دهد، بخشی از روایت را در فاصله میان دو نما پنهان می‌کند؛ همان فاصله‌ای که از زمان لو کولشوف می‌دانیم محل تولد معناست. تماشاکار، این خلا را با ذهن و تجربه خود پر می‌کند و به همین دلیل، روایت در ذهن او ادامه پیدا می‌کند، نه فقط روی پرده. در «وحشی»، تدوین تنها نظم‌دهنده تصاویر نیست؛ شخصیت‌ها را نیز می‌سازد. بسیاری از اضطراب‌ها، تردیدها و انفجارهای عاطفی شخصیت‌ها نه از خلال دیالوگ، بلکه از طریق انتخاب دقیق زمان ورود و خروج نماها شکل می‌گیرند. این همان لحظه‌ای است که تدوین، نویسنده‌ای خاموش می‌شود؛ نویسنده‌ای که بدون نوشتن حتی یک کلمه، داستان را بازنویسی می‌کند.

هومن سیدی به‌خوبی دریافته که سینمای امروز جهان دیگر تحمل زیاده‌گویی ندارد. مخاطب امروز با زبان تصویر زندگی می‌کند و تدوین، دستور زبان این تصویر است. او از همین شناخت بهره می‌گیرد تا ریتم «وحشی» را چنان زنده نگه دارد که حتی سکوت‌ها نیز حرکت داشته باشند. سکوت در این مجموعه، توقف نیست؛ ادامه روایت است. بارها هنگام تماشای «وحشی» احساس کردم اگر تنها جای چند برش عوض می‌شد، اگر مکتبی اندکی طولانی‌تر یا کوتاه‌تر می‌شد، همان صحنه دیگر آن تأثیر را نداشت. این یعنی تدوین، نه مرحله‌ای پس از فیلم‌برداری بلکه قلب تپنده فیلم است.

سینما، هنر زمان است و تدوین، معماری زمان. فیلم‌بردار نور را می‌آفریند، بازیگر احساس را، کارگردان جهان را تصور می‌کند اما این تدوینگر است که به همه آنها ضربه می‌بخشد. اوست که تعیین می‌کند تماشاکار چه زمانی نفس‌اش را حبس کند، چه زمانی لبخند بزند و چه زمانی در سکوت فرو برود.

شاید به همین دلیل است که همیشه گفته‌ام پشت میز تدوین، فرصتی دوباره برای آفرینش جهان وجود دارد؛ فرصتی برای خدا شدن، نه از سر غرور بلکه از آن‌رو که می‌توان سرنوشت آدم‌ها، زمان، خاطره و احساس را دوباره نوشت. در آن اتاق تاریک، فیلم برای آخرین بار متولد می‌شود. این مقاله، نخستین گام در مجموعه‌ای است که در آن می‌خواهم به سراغ تدوینگران سینمای ایران بروم؛ هنرمندانی که اغلب نامشان پس از پایان تیتراژ از خاطر می‌رود، اما بخش بزرگی از آنچه ما از سینما بیاد می‌سپاریم، حاصل نگاه، صبور و خلاقیت آنان است. شاید زمان آن رسیده باشد که به‌جای آنکه تنها تصویر را ببینیم، دستی را نیز ببینیم که زمان را در دل آن تصویر شکل داده است.



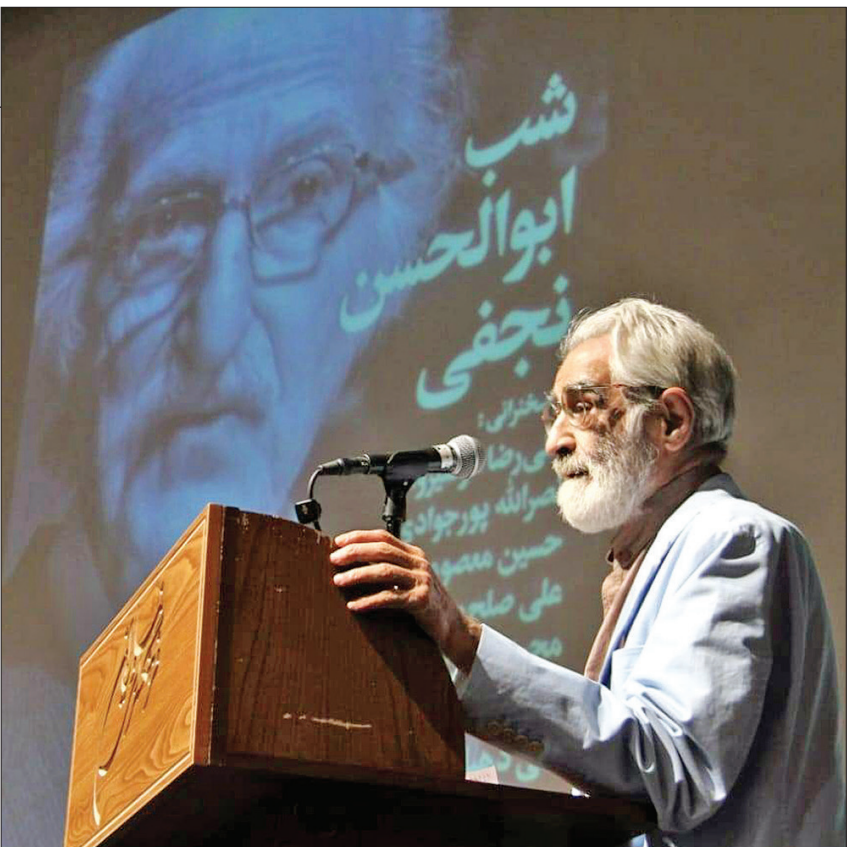
با شکل‌گیری مرکز نشر دانشگاهی به مدیریت نصرالله پورجوادی، بخشی از این سرمایه انسانی حفظ شد. به باور او، اگر حمایت و مدیریت پورجوادی نبود، تجربه و دانش انباشته‌شده ویراستاران فرانکلین ممکن بود از میان برود.

نظریه وزن شعر نجفی

در ادامه امید طیب‌نیزاده، سخنان خود را با اشاره به جایگاه نجفی در حوزه زبان‌شناسی و عروض آغاز کرد. او موضوع سخنرانی خود را «تأثیر آرای روش‌شناختی آندره مارتینه بر کار تدوین نظریه وزن شعر ابوالحسن نجفی» عنوان کرد و توضیح داد شاید در نگاه نخست میان زبان‌شناس فرانسوی و نظریه وزن شعر ارتباط مستقیمی دیده نشود، اما شیوه نگاه مارتینه به مطالعه پدیده‌های انسانی تأثیری عمیق بر روش علمی نجفی گذاشت. طیب‌نیزاده گفت: «نجفی در دوره تحصیل خود در فرانسه شاگرد آندره مارتینه، زبان‌شناس برجسته فرانسوی و از چهره‌های مهم مکتب پراگ، بود. اگرچه رساله دکتری نجفی درباره موضوعی در زبان فرانسه قرار بود نوشته شود و او این مسیر را ادامه نداد، اما روش علمی‌ای که از مارتینه آموخت، بعدها در کارهای پژوهشی او دیده شد». به گفته طیب‌نیزاده، مهم‌ترین درس مارتینه این بود که در بررسی هر پدیده، نمی‌توان همه ویژگی‌ها و جزئیات آن را بدون اولویت‌بندی بررسی کرد؛ زیرا در این صورت مجموعه‌ای از اطلاعات پراکنده به‌دست می‌آید، نه یک دانش منسجم. برای رسیدن به شناخت علمی، باید ابتدا ماهیت وجودی یک پدیده و دلیل وجود آن را مشخص کرد و سپس عواملی را بررسی کرد که در تحقق آن نقش اساسی دارند. او توضیح داد: «این نگاه روش‌شناختی در کار نجفی درباره وزن شعر نیز دیده می‌شود. نجفی به‌جای آن‌که تمام عناصر ممکن در شعر را بررسی کند، تلاش کرد از طریق شناخت ماهیت وزن شعر، عوامل مؤثر و بنیادین آن را مشخص کند». طیب‌نیزاده سپس به نظریه وزن شعر نجفی پرداخت و گفت: «اهمیت کار او در این بود که وزن شعر را نه صرفاً براساس سنت عروضی، بلکه با نگاهی تحلیلی و زبان‌شناختی بررسی کرد»، او تأکید کرد نجفی در همه حوزه‌های کاری خود همین روش را دنبال می‌کرد؛ چه در ترجمه، چه در ویرایش، چه در پژوهش‌های زبانی و چه در بررسی عروض. او همواره تلاش می‌کرد به‌جای انباشت اطلاعات، به ساختار و ماهیت موضوع برسد.

عزیز تو آن روزها نبود، ولی یک روز ما پای تلویزیون نشسته بودیم، نان و ماست‌مان را می‌خوریم که یکی از آن بیرون آمد و گفت به من هم ماست بدهید، شد خانواده ما. اکبر بود، شد اکبر آقا. تو که به دنیا آمدی، شدی بچه همه ما و او شد عمو اکبر. جمعه عصر او دیگر به قاب تلویزیون نرفت بلکه به قاب خاطرات ما رفت. اکبر، اکبر آقا، عمو اکبر بابت تمام خاطراتی که ساختی، ممنون و بدان برای نسل‌های بعدی و ما همچنان روی قاب می‌مانی». عبدالله اسکندری، چهره‌پرداز سرشناس و دوست صمیمی اکبر عبدی که سابقه دوستی ۲۰ساله با او دارد، گفت: «اکبر

عبدی دیگر نیست که روی صندلی بنشیند و با هم نقشی را خلق کنیم. من این دو روز را خیلی سخت گذراندم، اما فقط می‌توانم بگویم که اکبر مرد خانواده بود و خود را وقف خانواده و نیز مردم کرد». مهران غفوریان، بازیگر و کارگردان هم گفت: «من نمی‌دانم این غم را می‌توان فراموش کرد؟ فکر نمی‌کنم. خیلی غم بزرگی است رفتن آقای عبدی». علیرضا خفسه، کم‌دینی که تقریباً هم‌دوره و هم‌نسل اکبر عبدی محسوب می‌شود، گفت: «انگار اکبر عبدی آخرین نمایش را بازی می‌کند و فکر می‌کنم ۱۰ دقیقه دیگر بلند می‌شود و می‌گوید خفسه جون حالا نوبت من است که برای تو صحبت کنم. همه می‌دانند که او خلاق و تکرارنشدنی بود ولی پشت این ویژگی‌ها، یک شخصیت دیگری بود که وفاداری یکی از آنهاست، او بدی را فراموش نمی‌کرد اما می‌بخشید و با مهربانی جواب می‌داد». مسعود جعفری‌جو زانی هم در سخنانش برای حاضرین گفت: «اکبر عبدی هر جایی بود آنجا مثل تابستان بود، در تابستان آمد و در تابستان هم رفت و همیشه گرمای تابستان را داشت. او عبوس‌ترین آدم‌ها را به خنده می‌انداخت، چون نگاهش به دنیا طنز بود و همه‌چیز را به سُخره می‌گرفت. اولین‌باری که خواستم با او کار کنم، فیلم «ناصرالدین‌شاه آکتور سینما» بود که برخلاف آنچه شنیده بودم سفید امضا کرد چون می‌گفت اینجا قرار است تاریخ سینما را بازی کنم. ما یک من بزرگ، درون خود داریم که سبب می‌شود هر کدام از ما یک دیکتاتور کوچک درون‌مان داشته باشیم و همه‌چیز زود به ما برمی‌خورد. دوقطبی فعلی همیشه بوده و درحالی که هنرمند متعلق به همه است ولی هر گروهی آنها را به سمت خود می‌کشاند»



نقش نجفی در نشر ایران

در ادامه بزرگداشت ابوالحسن نجفی، حسین ملک‌ان متن نوشته‌شده جواد صلح‌جو را برای حاضران خواند؛ متنی که به بخشی از تاریخ نشر، ویرایش و نقش نجفی در مؤسسات فرهنگی ایران می‌پرداخت. صلح‌جو از نجفی به‌عنوان یکی از چهره‌های مهم جریان حرفه‌ای ویرایش در ایران یاد و تأکید کرده بود که شناخت کارنامه او بدون توجه به فضای انتشاراتی دهه‌های گذشته امکان‌پذیر نیست. در این متن، با اشاره به دوران فعالیت انتشارات فرانکلین، از نقش این مؤسسه در شکل‌گیری سنت ویرایش حرفه‌ای در ایران سخن گفته شده بود؛ دوره‌ای که گروهی از ویراستاران و مترجمان برجسته در کنار هم کار می‌کردند و استانداردهای تازه‌ای برای آماده‌سازی کتاب به وجود آوردند. نجفی نیز در همین فضا بود که به یکی از چهره‌های اثرگذار تبدیل شد. صلح‌جو یادآور شده بود که پس از انقلاب و از هم پاشیدن ساختارهای پیشین نشر، بسیاری از نیروهای متخصص این حوزه در معرض پراکندگی قرار گرفتند؛ اما

بود. او همچنین تأکید کرد ترجمه‌های نجفی کمتر مورد نقد جدی قرار گرفته‌اند؛ نه به دلیل بی‌اهمیت بودن، بلکه به این دلیل که یافتن ایراد در بسیاری از ترجمه‌های او کار ساده‌ای نبود. معصومی‌همدانی ترجمه داستان کوتاه «مرتد» آلبر کامو توسط نجفی را نمونه‌ای از درخشان‌ترین ترجمه‌های فارسی دانست و گفت بخشی از اهمیت کار نجفی در حوزه‌هایی مانند فرهنگ عامیانه و ترجمه‌های ادبی هنوز به‌اندازه کافی بررسی نشده است. معصومی‌همدانی در ادامه به جایگاه کتاب «غلط نویسیم» اشاره کرد و گفت: «این اثر در زمان انتشار، برخلاف جریان غالب زبان‌شناسی جدید حرکت می‌کرد؛ زیرا زبان‌شناسان جدید بیشتر بر توصیف زبان تأکید داشتند، در حالی که نجفی دغدغه حفظ کیفیت و زیبایی زبان را داشت. او افزود که اهمیت این کتاب فقط در فهرست کردن درست و غلط‌های زبانی نیست، بلکه در دفاع از این اندیشه است که زبان، علاوه بر ابزار ارتباط، یک پدیده زیبایی‌شناختی و فرهنگی نیز هست».

ولی در نقش‌هایش زندگی می‌کرد. به خانه می‌آمد با تمام خستگی‌اش به ما روحیه می‌داد. او زود رفت چون زیادی می‌فهمید و درک بالایی داشت. چون قلب مهربانی داشت. خیلی مهربان بود. همیشه به من می‌گفت المیرا! با همه مهربان باشد و هر کس بدی کرد، با خوبی جوابش را بده. دیگر نمی‌توانم ببینمش. بمیرم برایش که دیگر نمی‌تواند نفس بکشد. دیگر مثل پدر من نمی‌آید. به سینمای ایران تسلیت می‌گویم. کسی به من تسلیت نگوید. خواهش می‌کنم بلند شوید و فکر کنید بزرگداشت آقای عبدی است و برایش دست بزنید. می‌گفت من عاشق اینم که برایم بزرگداشت بگیرند و من صحبت کنم».

جمعیت سلفی‌نگیر

با وجود علاقه‌مندان زیادی که اکبر عبدی داشت اما در مراسم تشییع جنازه شلوغ‌اش، بسیاری نیز برای جمع‌آوری عکس و فیلم برای ساختن محتوای صفحات و اکانت‌هایش آمده بودند. در حالی که عده‌ای مشغول عزاداری بودند و بسیاری از بازیگران و چهره‌های مطرح، به‌دلیل از دست دادن دوست و همکارشان ناراحت بودند اما در برابر لشکری از سلفی‌بگیران قرار گرفتند. اتفاقی که صحنه‌های عجیبی را در این مراسم مانند مراسم‌های اینگونه که در سال‌های اخیر برگزار می‌شود، رقم زد.

آشنایان حاضر در مراسم

بهمن فرمان‌آرا، رضا عطاران، ایرج طهماسب، امین حیایی، عبدالله اسکندری، رضا کیانیان، علیرضا خفسه، امیر آقایی، اصغر همت، ایرج راد، بهرام افشاری، همایون اسعدیان، مسعود جعفری‌جو زانی، بیژن بنفشه‌خواه، بهنوش طباطبایی، محسن امیر یوسفی، حبیب اسماعیلی، مهرآور شریفی‌نیا، آریتا حاجیان، نرگس محمدی و تعداد زیاد دیگری از همکاران و دوستان سرشناس عبدی در این مراسم حضور پیدا کردند. همایون اسعدیان، رئیس خانه سینما به‌عنوان یکی از اولین سخنران‌ها گفت: «المیرای



دیدگاه: یادداشت اقتصادی

نفس تازه

بورس چگونه دوباره نفس کشید؟

نسرین خدادادی
گروه اقتصاد

پس از هفته‌ها نوسان، تردید و احتیاط، بورس تهران سرانجام روزی را تجربه کرد که در آن تقریباً همه نشانه‌های خوش‌بینی هم‌زمان در بازار ظاهر شدند. ورود سنگین پول حقیقی، بازگشایی موفق نمادهای بزرگ، سبزیوش شدن بخش عمده بازار و عبور شاخص کل از مرز پنج میلیون واحد، تصویری متفاوت از معاملات یک‌شنبه چهارم مرداد ترسیم کرد.
بازاری که تا چندی پیش زیر سایه نااطمینانی‌های سیاسی و نگرانی از خروج سرمایه قرار داشت اکنون با کاهش تنش‌ها و بازگشت نقدینگی، نشانه‌هایی از احیای اعتماد را بروز داده است.
عبور شاخص کل از مرز پنج میلیون واحد، ورود کم‌سابقه نقدینگی، سبزیوش شدن بخش عمده بازار و افزایش تقاضا در اغلب صنایع همگی نشانه‌هایی از بازگشت اعتماد به بازار سرمایه هستند. با این حال اینکه این اعتماد به یک روند پایدار تبدیل شود یا تنها یک جهش مقطعی باقی بماند به متغیرهایی بستگی دارد که فراتر از تالار شیشه‌ای و در حوزه سیاست و اقتصاد کلان تعیین خواهند شد.

معاملات دیروز با برتری قاطع خریداران به پایان رسید و شاخص‌های اصلی بازار یکی از بهترین عملکردهای هفته‌های اخیر را ثبت کردند. شاخص کل بورس با رشد ۱۰۷ هزار و ۷۵۶ واحدی معادل ۲۰۲ درصد، در ارتفاع پنج میلیون و دو هزار و ۲۰۹ واحد ایستاد و بار دیگر کانال پنج میلیون واحد را پس گرفت. شاخص هم‌وزن نیز که تصویر دقیق‌تری از وضعیت کلی بازار ارائه می‌دهد با رشد ۲۹ هزار و ۶۵۸ واحدی معادل ۲۰۱۷ درصد به یک میلیون و ۳۹۲ هزار و ۵۷۹ واحد رسید. هم‌زمان رشد شاخص کل و هم‌وزن مهم‌ترین ویژگی معاملات دیروز بود. در بسیاری از روزهای صعودی، تنها چند نماد بزرگ شاخص‌ساز بازار را بالا می‌کشند اما دیروز افزایش قیمت‌ها در طیف گسترده‌ای از صنایع مشاهده شد. این موضوع نشان می‌دهد که خوش‌بینی تنها به چند سهم بزرگ محدود نبوده و بخش قابل‌توجهی از بازار از ورود تقاضا بهره‌مند شده است. یکی از مهم‌ترین محرک‌های معاملات دیروز، بازگشایی تصدادی از نمادهایی بود که به دلیل برگزاری مجامع عمومی سالانه متوقف شده بودند. بازگشت این نمادها نه‌تنها ارزش معاملات را افزایش داد بلکه به تقویت فضای روانی بازار نیز کمک کرد. در میان آنها بانک ملت بیشترین اثر را بر شاخص کل گذاشت. این سهم پس از بازگشایی با رشد ۱۲ درصدی همراه شد و به‌تنهایی حدود ۱۵ هزار واحد بر شاخص کل افزود. استقبال معامله‌گران از نمادهای بازگشایی شده این پیام را مخیره کرد که بازار همچنان آمادگی جذب سهام ارزنده را دارد.

اما شاید مهم‌ترین اتفاق دیروز، بازگشت نقدینگی حقیقی به بازار بود. بیش از ۶ هزار و ۱۶۰ میلیارد تومان پول حقیقی وارد بورس شد؛ رقمی که از آن به‌عنوان یکی از بزرگ‌ترین ورودهای سرمایه در ماه‌های اخیر یاد می‌شود. این انقباض از آن جهت اهمیت دارد که در ماه‌های گذشته، خروج سرمایه حقیقی به یکی از نگرانی‌های اصلی فعالان بازار تبدیل شده بود. اکنون ورود دوباره سرمایه‌گذاران خرد می‌تواند، نشانه‌ای از تغییر انتظارات نسبت به آینده بازار باشد. ارزش معاملات سهام، حق‌تقدم و صندوق‌های سهامی نیز به ۲۲ هزار و ۳۳۱ میلیارد تومان رسید که بیانگر افزایش قابل‌توجه تحرک معامله‌گران است. در کنار آن سرانه خرید حقیقی‌ها به ۱۱۱ میلیون تومان رسید، درحالی که سرانه فروش آنها ۹۱ میلیون تومان بود. نسبت قدرت خرید ۱۰۲۳ نیز نشان داد که خریداران با دست بالاتر در بازار حضور داشته‌اند

و تقاضا نسبت به عرضه برتری محسوسی داشته است. تابلوی معاملات نیز تصویری کاملاً مثبت از بورس ارائه می‌داد. از مجموع نمادهای معامله شده ۶۸۸ نماد با رشد قیمت به کار خود پایان دادند و تنها ۷۱ نماد در محدوده منفی قرار گرفتند. همچنین در پایان معاملات ۵۴۲ نماد دارای صف خرید بودند، درحالی که تنها ۴۰ نماد با صف فروش مواجه شدند. فاصله قابل‌توجه میان ارزش سفارش‌های خرید و فروش نیز همین تصویر را تأیید می‌کند. ارزش سفارش‌های خرید به حدود ۱۱ هزار و ۹۰۰ میلیارد تومان رسید، درحالی که سفارش‌های فروش تنها حدود هزار و ۶۰۰ میلیارد تومان بود. هم‌زمان خروج بیش از ۲ هزار ۶۴۰ میلیارد تومان نقدینگی از صندوق‌های درآمد ثابت، یکی دیگر از نشانه‌های تغییر رفتار سرمایه‌گذاران بود. معمولاً زمانی که ریسک‌پذیری در بازار افزایش پیدا می‌کند، بخشی از منابع از صندوق‌های کهریسک خارج شده و به سمت سهام حرکت می‌کند. تکرار این روند در روزهای آینده می‌تواند به افزایش عمق معاملات و تقویت روند صعودی بازار کمک کند. با این حال تداوم این روند بیش از هر چیز به متغیرهای بیرونی وابسته خواهد بود. کاهش تنش‌های سیاسی در روزهای اخیر نقش مهمی در بهبود فضای روانی بازار داشته و بخشی از نقدینگی را دوباره به بورس بازگردانده است. اما تجربه سال‌های گذشته نشان می‌دهد که بازار سرمایه نسبت به تحولات سیاسی بسیار حساس است و هرگونه تغییر در فضای مذاکرات، روابط خارجی یا سیاست‌های اقتصادی می‌تواند، مسیر معاملات را تغییر دهد. از سوی دیگر بازار اکنون وارد محدوده‌ای شده که حفظ آن به عوامل بنیادی نیز نیاز دارد.

توسعه

انتظار بی‌نهایت

چند سال طول می کشد که خانه‌دار شویم؟

سعید خوش‌بین
گروه اقتصاد

برای خانواری که تمام درآمد سالانه خود را کنار بگذارد، چیزی نخورد، اجاره ندهد، مالیات و هزینه درمان نپردازد و حتی یک ریال برای آموزش، حمل‌ونقل یا تفریح خرج نکند، خرید خانه در بسیاری از شهرهای بزرگ جهان، چند دهه زمان می‌برد. البته چنین فرضی در زندگی واقعی ناممکن است چراکه خانوارها تنها بخشی از درآمدشان را پس‌انداز می‌کنند و در نتیجه، زمان واقعی خانه‌دار شدن بسیار طولانی‌تر از عددی است که شاخص نسبت قیمت مسکن به درآمد نشان می‌دهد. این شاخص در واقع نه زمان واقعی پس‌انداز بلکه فاصله میان قیمت یک مسکن متعارف و درآمد سالانه خانوار را اندازه می‌گیرد. هرچه این نسبت بالاتر باشد، مسکن از دسترس خانوارهای حقوق‌گیر دورتر شده است. رتبه‌بندی جهانی شهرها نشان می‌دهد، بحران استطاعت خرید مسکن دیگر به چند پایتخت ثروتمند مانند لندن، نیویورک یا هنگ کنگ محدود نیست. اکنون شهرهایی در جنوب و شرق آسیا در صدر فهرست گران‌ترین بازارهای مسکن نسبت به درآمد شهروندان قرار گرفته‌اند. کلمبو، مانیل، کاتماندو، تاییه، هانوی، شانگهای، پnomین، بمبئی، شیامن و هوشی‌مین در رتبه‌بندی جاری شاخص قیمت مسکن به درآمد، بالاترین نسبت‌ها را دارند. نسبت قیمت به درآمد در کلمبو به ۴۹۰۶ رسیده و پس از آن مانیل با ۳۹، کاتماندو با ۳۸۰۳، تاییه با ۳۳۰۹ و هانوی با ۳۳۰۸ قرار گرفته‌اند. شانگهای نیز نسبت ۳۱۰۸ دارد و نسبت این شاخص در پnomین و بمبئی ۳۱۰۴، در شیامن ۳۱۰۳ و در هوشی‌مین نیز ۳۱۰۳ گزارش شده است. این اعداد به زبان ساده می‌گویند، قیمت یک آپارتمان متعارف در کلمبو نزدیک به ۵ برابر درآمد سالانه یک خانوار است. حتی اگر خانوار بتواند ۲۰ درصد درآمد خود را پس‌انداز کند بدون احتساب تورم، افزایش قیمت ملک و هزینه تأمین مالی، زمان لازم برای جمع‌آوری معادل قیمت خانه می‌تواند به چند نسل برسد. در مانیل و کاتماندو نیز نسبت قیمت به درآمد به حدو ۴۰ سال نزدیک شده است. بنابراین بحران مسکن در این شهرها فقط به‌معنای گران بودن واحدهای مسکونی نیست؛ بلکه نشانه گسسته شدن ارتباط میان دستمزدها و قیمت دارایی است. برای تفسیر درست این اعداد باید روش محاسبه شاخص را شناخت. در داده‌های نومبو نسبت قیمت مسکن به درآمد بر مبنای قیمت یک آپارتمان ۹۰ مترمربعی و درآمد خالص خانوار محاسبه می‌شود. قیمت هر مترمربع، میانگینی از قیمت در مرکز شهر و خارج از مرکز است و درآمد خانوار نیز معادل ۷/۵ برابر متوسط دستمزد خالص در نظر گرفته می‌شود. بنابراین، این شاخص دقیقاً نمی‌گوید یک خانواده واقعی چند سال پس‌انداز خواهد کرد؛ بلکه ابزاری برای مقایسه توان خرید مسکن میان شهرهاست. پایین‌تر بودن نسبت به‌معنای استطاعت بیشتر و بالاتر بودن آن نشانه دشوارتر بودن خرید خانه است. با وجود تفاوت‌های گسترده میان ۱۰ شهر گران جهان چند عامل مشترک در بیشتر آنها دیده می‌شود. اول اینکه قیمت زمین در شهرهای پرجمعیت با سرعتی بیشتر از درآمد مردم رشد کرده است. محدودیت زمین قابل ساخت، تمرکز اشتغال و خدمات در مناطق خاص و کندی توسعه زیرساخت‌های حمل‌ونقل

دیدگاه: تحلیل اقتصادی

حمایت ضد حمایت

چرا سیاست‌های حمایتی به تضعیف بنگاه‌ها منجر شدند؟

مهتا معرفت
گروه اقتصاد

ممکن است تصور کنید سیاست‌هایی مانند کنترل قیمت کالاها، پایین نگه داشتن نرخ ارز، تثبیت قیمت انرژی یا محدود کردن نرخ سود بانکی، تصمیماتی در حمایت از مردم هستند. هدف این سیاست‌ها آن است که هزینه زندگی خانوارها افزایش پیدا نکند و کالاهای اساسی با قیمت پایین‌تری در دسترس مصرف‌کنندگان قرار گیرد. اما تجربه اقتصاد ایران نشان می‌دهد که بسیاری از این سیاست‌ها در عمل نتیجه‌ای معکوس داشته‌اند؛ به‌گونه‌ای که نه‌تنها تولید را تقویت نکرده‌اند بلکه به کاهش سرمایه‌گذاری، افت عرضه، تشدید کمبودها و در نهایت افزایش بیشتر قیمت‌ها انجامیده‌اند. اقتصادی که رشد آن به سرمایه‌گذاری وابسته است بیش از هر چیز به بنگاه‌های سودآور نیاز دارد. بنگاه زمانی می‌تواند کارخانه خود را توسعه دهد، ماشین‌آلات جدید بخرد، فناوری را به‌روز کند یا نیروی کار بیشتری استخدام کند که از محل فعالیت خود سود

بررسی تحولات اقتصادی

خانوار برای خرید خانه ذخیره نشود. فرضی که هیچ نسبتی با زندگی واقعی ندارد. اگر یک خانواده بتواند سالانه فقط ۲۰ درصد درآمد خود را پس‌انداز کند نسبت ۲۵ساله در محاسبه ساده به بیش از ۱۲۵ سال تبدیل می‌شود. البته خانوار ممکن است از وام، ارث، فروش دارایی یا کمک خانواده استفاده کند اما از سوی دیگر قیمت مسکن نیز در دوره پس‌انداز ثابت نمی‌ماند. در اقتصاد تورمی ایران، خانه معمولاً سریع‌تر از پس‌انداز خانوار حرکت می‌کند و خط پایان دائماً دورتر می‌شود. علت نخست این وضعیت تورم مزمن است. تورم نه‌تنها هزینه ساخت، قیمت زمین، دستمزد و مصالح را افزایش می‌دهد بلکه مسکن را به پناهگاه سرمایه تبدیل می‌کند. هنگامی که ارزش پول کاهش می‌یابد، صاحبان نقدینگی برای حفظ ثروت به خرید دارایی‌هایی مانند ارز، طلا و ملک روی می‌آورند. ورود تقاضای سرمایه‌ای، بازار را از نیاز مصرفی خانوارها جدا می‌کند. در نتیجه ممکن است تعداد خانوارهای فاقد مسکن افزایش یابد، درحالی که هم‌زمان واحدهایی با هدف سرمایه‌گذاری خریداری و خالی نگه داشته می‌شوند. دومین عامل، کاهش درآمد واقعی خانوار است. مسئله بازار مسکن ایران فقط افزایش قیمت خانه نیست. دستمزدها نیز از تورم دارایی عقب مانده‌اند. اگر قیمت مسکن سالانه سریع‌تر از حقوق و درآمد خانوار رشد کند، حتی افزایش اسمی دستمزن نیز قدرت خرید را بهبود نمی‌دهد. خانواری که چند سال برای تأمین پیش‌پرداخت پس‌انداز می‌کند، ممکن است در پایان این دوره متوجه شود فاصله‌اش با قیمت خانه بیشتر شده است. سسومین عامل، ناتوانی نظام تأمین مالی است. وام مسکن در ایران معمولاً بخش محدودی از قیمت یک واحد را پوشش می‌دهد و اقساط آن نیز نسبت به درآمد بسیاری از خانوارها سنگین است. در بازارهای پرخردار از وام‌های بلندمدت، خانوار می‌تواند درآمد آینده خود را به قدرت خرید امروز تبدیل کند اما در ایران، تورم بالا و نرخ سود بانکی چنین سازوکاری را کم‌اثر کرده است. داده‌های تهران نیز نشان می‌دهد، هزینه نظری بازپرداخت وام یک واحد ۹۰ مترمربعی چندین برابر درآمد خانوار است. تداوم این روند پیامدهایی فراتر از بازار ملک دارد. جوانان ازدواج را به تأخیر می‌اندازند، زوج‌ها تصمیم به فرزندآوری را عقب می‌برند، خانوارها به مناطق دورتر رانده می‌شوند و هزینه و زمان رفت‌وآمد افزایش می‌یابد. آجارندیشینی طولانی‌مدت نیز امنیت اقتصادی خانوار را کاهش می‌دهد. در مقابل کسانی که از گذشته مالک چند واحد مسکونی بوده‌اند از افزایش قیمت دارایی منتفع می‌شوند. به این ترتیب مسکن به یکی از مهم‌ترین سازوکارهای انتقال ثابرابری میان نسل‌ها تبدیل می‌شود: فرزندان مالکان با پشتوانه دارایی وارد زندگی می‌شوند و فرزندان مستأجران، بخش بزرگی از درآمد خود را صرف اجاره می‌کنند. در چنین شرایطی افزایش ساخت‌وساز به‌تنهایی کافی نیست. سیاست مسکن باید هم‌زمان تورم، سوداگری، تأمین مالی، عرضه زمین، حمل‌ونقل عمومی و بازار اجاره را هدف قرار دهد.

تا زمانی که تورم مزمن ادامه دارد هر واحد جدیدی نیز می‌تواند پیش از رسیدن به مصرف‌کننده به دارایی سرمایه‌ای تبدیل شود. همچنین بدون افزایش درآمد واقعی و ایجاد وام‌های متناسب با توان بازپرداخت حتی رشد عرضه ممکن است، شفاف استطاعت را به‌طور کامل نبندد. به این ترتیب این پرسش که «خانواده ایرانی چند سال باید برای خانه‌دار شدن انتظار بکشد؟» یک پاسخ واحد ندارد. در محاسبه نظری، این زمان برای ایران در مقطعی حدود ۲۵ سال و برای تهران بیش از ۳۰ سال برآورد شده است. اما در واقعیت چون خانوار فقط بخشی از درآمدش را پس‌انداز می‌کند و قیمت مسکن نیز پیوسته افزایش می‌یابد زمان انتظار می‌تواند بسیار بیشتر باشد و برای گروهی از جامعه عملاً به بی‌نهایت برسد. مسئله اصلی دیگر طولانی بودن صف خانه‌دار شدن نیست. مسئله این است که بخش بزرگی از طبقه متوسط و کم‌درآمد اساساً از این صف خارج شده‌اند.

کیفیت محصولات خواهد بود. همین منطق درباره انرژی نیز صادق است. پایین نگه داشتن قیمت برق، گاز یا سوخت، اگرچه در ظاهر به نفع مصرف‌کننده است اما درآمد شرکت‌های تولیدکننده انرژی را کاهش می‌دهد و امکان سرمایه‌گذاری در توسعه نیروگاه‌ها، شبکه انتقال یا میادین گازی را محدود می‌کند. حاصل این سیاست همان چیزی است که امروز اقتصاد ایران با آن روبه‌روست: ناترازی گسترده انرژی، خاموشی صنایع و کاهش تولید. از سوی دیگر سرکوب نرخ ارز نیز آثار مشابهی دارد. ارزان نگه داشتن مصنوعی ارز، واردات را تشویق و تولید داخلی را تضعیف می‌کند. تولیدکننده‌ای که باید با کالاهای وارداتی ارزان رقابت کند، انگیزه کمتری برای توسعه فعالیت خود خواهد داشت. هنگامی که این سیاست با قیمت‌گذاری دستوری و محدودیت‌های مالی همراه شود، سودآوری بخش مولد بیش از پیش کاهش می‌یابد. هزینه این سیاست‌ها نه بر دوش بنگاه‌ها بلکه بر دوش همان مردمی قرار می‌گیرد که قرار بود از آنها حمایت شود. کاهش سرمایه‌گذاری به معنای کاهش تولید، کمبود کالا، افزایش بیکاری و در نهایت جهش قیمت‌هاست. کمبود برق و گاز، تعطیلی کارخانه‌ها و کاهش عرضه را به‌دنبال دارد و فشار تورمی بیشتری بر خانوارها وارد می‌کند. به این ترتیب سیاستی که با هدف حمایت از مصرف‌کننده آغاز شده بود، در پایان به کاهش رفاه همان مصرف‌کننده منجر می‌شود. شاید مهم‌ترین درس تجربه ایران این باشد که نمی‌توان با ضعیف کردن تولید از مصرف حمایت کرد. زیرا در نهایت، مصرف‌کننده نیز هزینه این سیاست را با کمبود کالا، تورم بالاتر و کاهش رفاه خواهد پرداخت.

تقاضا را در محدوده‌های مشخصی متمرکز می‌کند. دلیل دوم این است که مسکن در بسیاری از این شهرها فقط محل سکونت نیست و به ابزار حفظ ثروت تبدیل شده است. وقتی بازارهای مالی عمق کافی ندارند، تورم بالاست یا اعتماد عمومی به پول ملی کاهش یافته است، خانوارها و سرمایه‌گذاران خرید ملک را راهی برای حفاظت از دارایی می‌دانند. عامل سوم، ورود سرمایه‌های بزرگ داخلی و خارجی به بازار مسکن است. تقاضای سرمایه‌ای لزوماً تابع درآمد خانوارهای ساکن شهر نیست. ممکن است درآمد مردم رشد چندانی نداشته باشد اما ورود سرمایه به بازار زمین و ساختمان همچنان قیمت‌ها را افزایش دهد. در این شرایط، قیمت مسکن به‌جای آنکه با توان خرید مصرف‌کننده نهایی تنظیم شود با قدرت خرید سرمایه‌گذاران، شرکت‌های بزرگ و صاحبان ثروت هماهنگ می‌شود. عامل چهارم به ضعف نظام تأمین مالی مسکن بازمی‌گردد. در بسیاری از کشورها، خانوارها خانه را با درآمد نقدی خریداری نمی‌کنند بلکه از وام‌های بلندمدت با نرخ سود پایین استفاده می‌کنند. اما اگر نرخ بهره بالا، دوره بازپرداخت کوتاه یا مبلغ وام ناچیز باشد حتی وجود نظام بانکی نیز مسئله استطاعت را حل نمی‌کند. در چنین شرایطی خانوار هم با قیمت بالای ملک روبه‌روست و هم باید اقساطی بپردازد که بخش بزرگی از درآمد ماهانه‌اش را می‌بلعد. تهران نیز سال‌هاست در جمع شهرهایی قرار دارد که قیمت مسکن در آنها فاصله‌ای غیرعادی با درآمد خانوار پیدا کرده است. در رتبه‌بندی سال ۲۰۲۵ نسبت قیمت مسکن به درآمد در تهران ۳۲۰۷ بود و پایتخت ایران پس از کلمبو، کاتماندو، پکن، شانگهای و هوشی‌مین در جایگاه ششم شهرهای بررسی‌شده، قرار داشت. این نسبت به آن معناست که قیمت آپارتمان متعارف بیش از ۳۲ برابر درآمد سالانه برآورد شده یک خانوار بوده است.

انتظار برای خانه‌دار شدن در ایران

در داده‌های جدیدتر نسبت تهران پایین‌تر و در محدوده ۲۴ تا ۲۶ گزارش شده است. صفحه اختصاصی تهران در مه ۲۰۲۶ نسبت قیمت به درآمد را ۲۴۰۳۲ و سهم اقساط وام مسکن از درآمد خانوار را بیش از ۵۸۵ درصد نشان می‌دهد. اختلاف میان ارقام سال‌های مختلف می‌تواند نتیجه تغییر نرخ ارز، قیمت‌های ثبت‌شده، درآمد اسمی و ترکیب داده‌های کلیربان باشد. از این رو بهتر است این شاخص‌ها بیشتر برای مقایسه جهت و شدت بحران به کار روند نه به‌عنوان اندازه‌گیری قطعی بازار. برای کل ایران نیز ارقام در طول زمان تغییر کرده‌اند. نسبت ۲۵۰۱ که در برخی گزارش‌ها مورد اشاره قرار می‌گیرد به داده‌های سال ۲۰۲۰ بازمی‌گردد. در آن سال ایران با این نسبت یکی از نامساعدترین بازارهای مسکن جهان از نظر استطاعت خرید بود. در رتبه‌بندی سال ۲۰۲۵ نسبت کشوری ایران ۱۹۰۷ اعلام شد و در داده‌های به‌روز شده مه ۲۰۲۶ این نسبت به ۱۵۰۹۷ رسیده است. با این حال کاهش عدد شاخص لزوماً به معنای آسان‌تر شدن خانه‌دار شدن برای خانوار ایرانی نیست. زیرا تغییر ارزش پول، افت درآمد دلاری و شیوه جمع‌آوری داده‌ها می‌تواند، نتیجه را جابه‌جا کند. مسئله اصلی برای خانوار ایرانی این است که زمان واقعی انتظار بسیار بیشتر از نسبت ساده قیمت به درآمد است. نسبت ۲۵۰۱ بر این فرض استوار است که تمام درآمد

دانشمند جوان

درباره شایان اوپس قرن و دستاوردهای او

گروه اجتماعی: داستان‌های بزرگ در دنیای علم، گاهی از ساده‌ترین لحظات زندگی آغاز می‌شوند. تصور کنید در یک عصر آفتابی، تمرین تپیس روی چمن به پایان رسیده و مربی از شما می‌خواهد ۱۰۰ توپ پخش شده در زمین را جمع کنید. برای اغلب افراد، این کار صرفاً یک خستگی اضافه است؛ اما برای ذهن خلاق یک دانشمند به یک مسئله جذاب ریاضی تبدیل می‌شود: «چگونه مسیر حرکت را طراحی کنم تا در کوتاه‌ترین زمان و با کمترین انرژی ممکن، تمام توپ‌ها را جمع کنم و راهی خانه شوم؟» این مسئله ساده، عصاره همان چیزی است که شایان اوپس قرن، دانشمند ایرانی‌تبار و استاد دانشگاه واشنگتن، سال‌ها از عمر خود را صرف حل آن کرد؛ تلاشی درخشان که سرانجام به شکستن یک رکورد ۴۰ ساله در علوم رایانه و کسب مدال آباکوس (Abacus Medal) از سوی اتحادیه بین‌المللی ریاضیات انجامید. این مدال معتبر که هر چهار سال یک‌بار به برترین دانشمندان زیر ۴۰ سال در حوزه علوم رایانه اعطا می‌شود، مهر تأییدی بر افتخارآفرینی بی‌نظیر این پژوهشگر برجسته است.

از کوچه‌های اصفهان تا تالارهای استنفورد

شایان اوپس قرن متولد سال ۱۳۶۵ در اصفهان و پنجمین فرزند خانواده است. پرچمدار مشوق او در مسیر علم، مادری بود که خود عاشق ریاضیات بود اما به دلیل محدودیت‌های فرهنگی زمانه از ادامه تحصیل بازماند؛ با این حال شور دانش‌پژوهی را در دل فرزندانش زنده نگه داشت.

رشد در محیطی پویا و رقابتی در کنار برادران و خواهرانی موفق، روحیه پرسشگری را در شایان تقویت کرد. نقطه‌عطف زندگی او زمانی رخ داد که برادرش شهاب (از مدال‌آوران المپیاد انفورماتیک) کتابی از معمارهای ریاضی به او هدیه داد. این

ادامه تیتیر یک

هدیه، جرقه‌ای شد برای عشقی عمیق به حل مسائل پیچیده. شایان در سال ۲۰۰۴ مدال طلای المپیاد جهانی انفورماتیک را به‌دست آورد سپس وارد دانشگاه صنعتی شریف شد و در ادامه برای مقطع دکتری به دانشگاه معتبر استنفورد رفت. فرناز روتقی، همسر او و مدیر ارشد فناوری یک شرکت نوپا، راز این موفقیت را در روحیات خاص شایان می‌داند: «شایان توانایی شگفت‌انگیزی در بازی و شاد بودن دارد؛ ذهنش مثل یک کودک از حل مسائل لذت می‌برد و مسائل را بیش از حد سخت نمی‌گیرد. این تعادل زیبا در زندگی شخصی، کلید موفقیت حرفه‌ای اوست». این زوج هم‌اکنون به همراه پسر ۱۰ساله‌شان، فراز، در سیاتل زندگی می‌کنند.

شکستن رکورد ۴۰ ساله؛ مسئله فروشنده دوره‌گرد

مهم‌ترین دستاورد علمی اوپس قرن که نام او را در تاریخ علوم رایانه ماندگار کرد، ارتقای الگوریتم «مسئله فروشنده دوره‌گرد» (TSP) است. فرض کنید یک پیک یا مسافر باید به ده‌ها شهر مختلف سر بزنند و دوباره به نقطه مبدأ بازگردند. پیدا کردن کوتاه‌ترین مسیر ممکن برای تعداد زیادی شهر، فرآیندی چنان پیچیده است که حتی ابرکامپیوترها نیز در محاسبات دقیق آن دچار کندی شدید می‌شوند. در سال ۱۹۷۶ دانشمندی به‌نام نیکوس کریستوفیدس، الگوریتمی ارائه داد که پاسخی تقریبی (با حداکثر ۵۰ درصد طول بیشتر از کوتاه‌ترین مسیر مطلقاً ممکن) پیدا می‌کرد. به مدت بیش از چهار دهه هیچ دانشمندی نتوانسته بود حتی یک گام از این حد کریستوفیدس فراتر رود. اما شایان اوپس قرن و همکارانش در دسامبر ۲۰۱۹

اتاقی که نسل جدید از آن بیرون آمده است

یکی از پرسش‌های اصلی درباره این پدیده، دلیل فاصله گرفتن نسل جدید از مرجعیت‌های سنتی است. بخشی از پاسخ را باید در محدود شدن فضاهای رسمی برای دیده شدن و تجربه اجتماعی جست‌وجو کرد. وقتی فرصت‌های رسمی برای تفریح، ارتباط اجتماعی و شکل دادن به هویت نسل جدید محدود باشد، شبکه‌های اجتماعی به مهم‌ترین محل شکل‌گیری تعلق تبدیل می‌شوند. در چنین شرایطی یک چهره اینترنتی می‌تواند، نقشی را ایفا کند که پیش‌تر برعهده تلویزیون، سینما یا رسانه‌های رسمی بود.

برای بسیاری از نوجوانان، نیما تکیدو با چهره‌هایی مانند او صرفاً تولیدکننده محتوا نیستند؛ آنها بخشی از تجربه روزمرشان هستند. ارتباط میان مخاطب و این چهره‌ها بر پایه فاصله کم، زبان مشترک و حس صمیمیت شکل می‌گیرد؛ رابطه‌ای که با مدل سنتی ستاره‌سازی تفاوت دارد.

از قهرمانان رسمی تا چهره‌های نزدیک و روزمره

از طرفی، مقایسه الگوها و مرجعیت‌های نسل جدید (متولدین اواخر دهه ۸۰ و دهه ۹۰) با نسل‌های دهه ۵۰، ۶۰ و اوایل ۷۰ نشان‌دهنده یک تغییر پارادایم کامل در فرهنگ عمومی است. برای نسل‌های گذشته، قهرمان فردی آرمان‌گرا، ایدئولوژیک، صاحب دانش یا هنر فاخر، یثارگر یا روشنفکری معترض بود که از فیلترهای سخت رسانه ملی، سینما، وزارت ارشاد و گزینش‌های رسمی عبور می‌کرد و معیار محبوبیتش در عمق اثر، تکنیک و تأیید نخبگان خلاصه می‌شد. زبان ارتباطی آنها نیز فاخر، سنگین و با فاصله بود.

در مقابل، برای نسل زد و خصوصاً آلفا، قهرمان فردی زیست‌محور، صمیمانه، ملموس، بی‌فیلتر و خود واقعی است که بدون نیاز به مجوز، مستقیماً از اتاق شخصی خود از طریق الگوریتم‌های یوتیوب و اینستاگرام محتوا تولید می‌کند. برای این نسل، معیار محبوبیت در ریتیم سریع، قابلیت ارتباط دوطرفه، تعداد



دست به کاری بزرگ زدند. آنها با ترکیب ابزارهای ریاضی از حوزه‌هایی به‌ظاهر نامربوط – مانند نظریه احتمال، فیزیک آماری و هندسه جبری – الگوریتم جدیدی طراحی کردند که توانست، رکورد ۴۰ ساله کریستوفیدس را بشکند و به کوتاه‌ترین مسیر ممکن بسیار نزدیک‌تر شود. مقاله ۹۰ صفحه‌ای این دستاورد، چند ماه بعد منتشر شد و جامعه علمی را شگفت‌زده کرد. امین صابری، استاد پیشین او در استنفورد، این جهش علمی را به «پریدن از یک هواپیمای ابتدایی به یک بوئینگ ۷۴۷» تشبیه کرد. خود اوپس قرن درباره لحظه اثبات این الگوریتم می‌گوید: «وقتی بالاخره متوجه شدیم الگوریتم جدید کار می‌کند، باورکردنی نبود. سال‌ها روی این مسئله کار کرده بودیم و آن لحظه یکی از شیرین‌ترین و به‌یادماندنی‌ترین لحظات زندگی علمی‌ام بود».

نوآوری در نمونه‌گیری تصادفی و الگوی فکری منحصر به فرد

دستاوردهای اوپس قرن به همین جا ختم نمی‌شود. او در سال ۲۰۱۸ با همکاری تیمش توانست، حدسی ۳۰ ساله در زمینه «نمونه‌گیری تصادفی» را اثبات کند؛ مسئله‌ای بنیادین که می‌پرسد، چگونه می‌توان از میان یک مجموعه بی‌نهایت بزرگ یک گزینه را کاملاً به‌صورت تصادفی و عادلانه انتخاب کرد. آنها با ترجمه این مسئله به زبان چندجمله‌ای‌ها، معمای مطرح شده در سال ۱۹۸۹ را پس از سه دهه حل کردند. آنا کارلین، همکار پژوهشی او در دانشگاه واشنگتن، درباره سبک کاری او می‌گوید: «شایان استاد ایجاد پل میان حوزه‌های بی‌ارتباط است. او از ابزارهایی استفاده می‌کند که به ذهن فرد دیگری نمی‌رسد و خوش‌بینی مسری

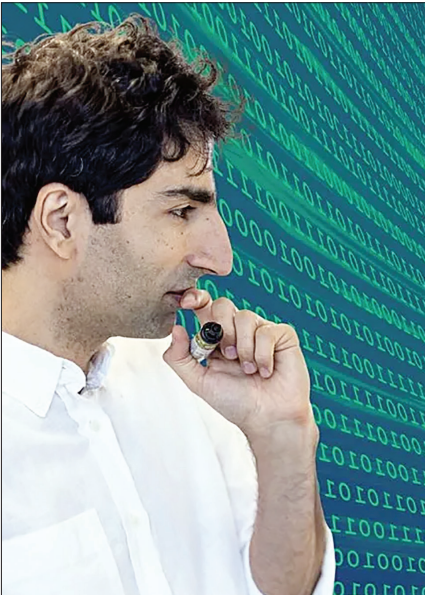
بازدید و حس رفاقت تعریف می‌شود. الگوهای آنها به‌جای بازیگران و روشنفکران سنتی چهره‌هایی چون نیما تکیدو، گادیوری، میا پالیز یا فرشاد سایلنت هستند و زبان ارتباطی‌شان کوتاه، محاوره‌ای، استیکری، پرانرژی و بدون تکلف است. پرسش اصلی در نهایت این نیست که چرا نوجوانان نیما تکیدو را دوست دارند؛ پرسش این است که ساختار رسمی تا کی می‌خواهد، چشم خود را بر واقعیت جامعه‌ای ببندد که در قاب او نمی‌گنجد. قدرت مرجعیت فرهنگی در ایران جابه‌جا شده و این جمعیت‌ها نشان می‌دهند، نسلی که در ظاهر پراکنده و فارغ از سیاست به‌نظر می‌رسد، شبکه‌ای زنده و آماده به حرکت است که الگوی زیست و قهرمانانش را خودش انتخاب می‌کند.

آیا با یک توده بی‌هدف روبه‌رو هستیم؟

برخی منتقدان این تجمع‌ها را نشانه رفتارهای توده‌ای و هیجانی می‌دانند اما مقایسه آن با پدیده‌هایی مانند فاشیسم یا جنبش‌های تمامیت‌خواه، نیازمند احتیاط است. در فاشیسم، توده حول یک ایدئولوژی سیاسی، حذف دیگری و اطاعت از یک رهبر شکل می‌گیرد؛ درحالی که بسیاری از تجمع‌های هواداری نسل جدید حول سرگرمی، تجربه جمعی و احساس تعلق شکل می‌گیرند. این جمعیت‌ها بیش از آنکه نشان‌دهنده میل به حذف باشند، بیانگر نیاز به دیده شدن و حضور اجتماعی‌اند؛ نسلی که راه‌های تازه‌ای برای ساختن اجتماع پیدا کرده حتی اگر این راه‌ها برای نسل‌های قبل ناشنا باشد.

بحران مرجعیت؛ مسئله‌ای فراتر از یک یوتیوبر

ماجرای ایران‌مال در نهایت درباره یک فرد خاص نیست. مسئله اصلی این است که چه کسانی امروز می‌توانند بر ذهن و احساس نسل جدید اثر بگذارند و چرا بخشی از جامعه رسمی، این تغییر را دیر تشخیص داده است. نسل آلفا کاملاً در فضای متفاوتی زندگی می‌کند؛ فضایی که در آن شهرت دیگر فقط از مسیر رسانه‌های رسمی تولید نمی‌شود و مرجعیت فرهنگی دیگر الزاماً از بالا به پایین شکل نمی‌گیرد. شبکه‌های اجتماعی امکان داده‌اند گروه‌هایی که پیش‌تر دیده نمی‌شدند، خودشان چهره‌ها، زبان و اجتماعات خود را بسازند. احزاد ایران‌مال، نه یک اتفاق استثنایی بلکه یکی از نشانه‌های تغییر آرامی است که سال‌هاست در حال رخ دادن است؛ تغییری که نشان می‌دهد بخش مهمی از جامعه، مرجعیت فرهنگی خود را در جایی بیرون از ساختارهای سنتی پیدا کرده است.



او، همه تیم را به پیشروی امیدوار می‌کند».

چرا دستاورد اوپس قرن تا این حد پراهمیت است؟

موفقیت‌های شایان اوپس قرن صرفاً یک تمرین نظری روی کاغذ نیست بلکه پیوندی عمیق با دنیای واقعی دارد:

۱- بهینه‌سازی لجستیک و انرژی: این الگوریتم‌ها موجب صرفه‌جویی میلیاردها دلار در مصرف سوخت، زمان و هزینه‌های ناوگان‌های حمل‌ونقل، شرکت‌های پستی و غول‌های تجاری جهان می‌شوند.

۲- کاربرد در زیست‌شناسی و ساخت‌افزار: فرمول‌بندی‌های او در طراحی مدارهای مجتمع الکترونیکی همچنین توالی‌یابی دی‌ان‌آ (DNA) کاربرد مستقیم دارند.

۳- میراث علمی جدید: مهم‌تر از همه، او «جعبه‌ابزار» ریاضی کاملاً جدیدی را به حوزه علوم رایانه وارد کرد که راه را برای حل معماهای لاینحل آینده هموار می‌کند.

شایان اوپس قرن، نماد نسلی از دانشمندان است که با نگاهی تازه، ذهن پرنشاط و جسارت گذر از مرزهای سنتی علوم، دنیای دیجیتال ما را هوشمندتر و کارآمدتر می‌کنند.

میراث

الموت جهانی شد

روایت یک منظومه دفاعی از دل کوهستان‌های قزوین

پرونده «الموت و استحکامات وابسته» با تصویب اعضای چهل‌وهشتمین اجلاس کمیته میراث جهانی یونسکو در بوسان کره‌جنوبی به‌عنوان سی‌امین اثر ثبت جهانی ایران در فهرست میراث جهانی این سازمان قرار گرفت؛ رویدادی که نام یکی از مهم‌ترین مجموعه‌های تاریخی ایران را در سطح بین‌المللی برجسته‌تر می‌کند.

این پرونده شامل یک مجموعه زنجیره‌ای از ۷ دژ تاریخی در استان قزوین است؛ قلعه‌های الموت، لمبسر، ایلان، شیرکوه، نویرشاه، قسطن‌لار و شمس‌کلایه که در کنار یکدیگر شبکه‌های منسجم از استحکامات حکومت اسماعیلیان را شکل داده‌اند. این دژها تنها سازه‌هایی نظامی نیستند بلکه نمونه‌ای از پیوند میان معماری، مهندسی دفاعی و سازگاری انسان با محیط کوهستانی به‌شمار می‌روند. قلعه الموت، شناخته‌شده‌ترین بخش این مجموعه، بر فراز صخره‌ای مرتفع در نزدیکی روستای گازرخسان و حدود ۱۰۵کیلومتری قزوین قرار دارد. این دژ که نام آن را به‌معنای «آتشخانه عقاب» دانسته‌اند یکی از مهم‌ترین مراکز سیاسی و فرهنگی اسماعیلیان بوده و بقایای فضاهای دفاعی، ساسانه‌های آبرسانی و معماری آن بخشی از تاریخ پیچیده این منطقه را روایت می‌کند.

در کنار الموت، قلعه لمبسر به‌عنوان بزرگ‌ترین دژ اسماعیلیان، نقشی کلیدی در حفاظت از این قلمرو داشته است. دیگر قلعه‌های این پرونده نیز با قرار گرفتن در ارتفاعات و نقاط صعب‌العبور، بخشی از شبکه دیده‌بانی و دفاعی این حکومت را تشکیل می‌دادند. قلعه شمس‌کلایه یا میمون‌دژ نیز از پایگاه‌های مهم اسماعیلیان بود که در نهایت در دوران رکن‌الدین خورشاه و پس از حمله هلاکوخان مغول به تصرف سپاه مغول درآمد. ثبت جهانی «الموت و استحکامات وابسته» تنها ثبت چند قلعه تاریخی نیست؛ بلکه به رسمیت شناختن یک نظام پیچیده دفاعی، فرهنگی و زیست‌محیطی است که قرن‌ها پیش در دل طبیعت کوهستانی شکل گرفته است. این اتفاق می‌تواند زمینه‌ساز توجه بیشتر به حفاظت، پژوهش‌های تاریخی و توسعه گردشگری فرهنگی در استان قزوین و معرفی بخشی از میراث تمدنی ایران در سطح جهانی باشد.



می‌شود. وجه مشترک این رویدادها، شکل‌گیری در فضایی خارج از ساختارهای سنتی سازمان‌دهی اجتماعی است. این جمعیت‌ها از طریق شبکه‌های اجتماعی شکل می‌گیرند؛ شبکه‌هایی که برخلاف نهادهای رسمی سلسله‌مراتب مشخصی ندارند و بر پایه علاقه مشترک، ارتباط افقی و سرعت انتشار پیام عمل می‌کنند.

به تعبیر برخی جامعه‌شناسان این همان «حیات شبکه‌ای» است؛ نوعی از زندگی اجتماعی که در آن افراد ممکن است در فضای مجازی پراکنده باشند اما در یک لحظه مشخص بتوانند به یک جمعیت واقعی و قابل مشاهده تبدیل شوند.



سال نهم شماره ۲۲۸۹
دوشنبه ۵ مرداد ۱۴۰۵

بررسی مسائل روز

دیدگاه

سازندگی: روزنامه سیاسی و اجتماعی • صاحب امتیاز: حزب کارگزاران سازندگی ایران • مدیرمسئول: امیر اقتناعی • سردبیر: اکبر منتجبی
زیر نظر شورای سیاستگذاری: سیدحسین مرعشی (رئیس)، محمد عطریانفر، محمد قوچانی، علی هاشمی، سیدعلیرضا سیاسی‌راد، امیر اقتناعی

مدیر هنری: رضا دولت‌زاده • عکس: رضا معطریان • ویراستار: سعیده آرین‌فر • حروفچین: سحر خسروچردی • نشانی: تهران، پاسداران، نگارستان پنجم، پلاک ۸، تلفن: ۲۲۸۴۱۴۶۲ • چاپ: امید نشر ایرانیان: ۹-۸۸۵۳۷۲۶۸ • توزیع: نشر گستر امروز: ۶۱۹۳۳۰۰۰

دعوت به دموکراسی واقعی

بررسی تقابل دو نگاه به امنیت ملی در مناظره نمایندگان مجلس

داریوش خسرویار

دبیر اول استان خراسان شمالی
حزب کارگزاران سازندگی ایران

مناظره اخیر امیرحسین ثابتی و محمدمهدی شهریاری دو نماینده مجلس را می‌توان تقابل دو گفتمان متضاد درباره سرنوشت کشور دانست؛ گفتمان شعارزده جنگ‌افروزی در برابر گفتمان عقلانی دیپلماسی و پرهیز از هزینه‌های ویرانگر جنگی نوین. شهریاری، جانباز ۸ سال دفاع مقدس که از ۱۵ سالگی در جبهه حضور داشته در این مناظره با تکیه بر تجربه زیسته خود از جنگ، تصویری شفاف از خسارت‌های جبران‌ناپذیر جنگی دیگر ارائه داد که در برابر شعارهای احساساتی ثابتی، منطقی‌ترین و واقع‌بینانه‌ترین روایت ممکن بود.

جنگ یعنی ۳۰۰ میلیارد دلار خسارت

شهریاری در این مناظره با صراحت اعلام کرد که جنگ تحمیلی ۳۰۰ میلیارد دلار خسارت به کشور وارد کرده که معادل ۱۰ سال بودجه کل کشور است. او با اشاره به اینکه هنوز آثار آن جنگ در زندگی خانواده‌های بسیاری باقی مانده، پرسشی بنیادین مطرح کرد: «ناباید در نیمه دوم بازی را بازنده شویم». این پرسش، هسته مرکزی گفتمان ضدجنگ اوست؛ ما در نیمه اول جنگ تحمیلی سه-هیچ پیروز شدیم اما آیا منطق عقلانی اجازه می‌دهد در شرایطی کاملاً متفاوت با کشوری که ۱۲۰۰ میلیارد دلار بودجه نظامی دارد، جنگی تمام‌عیار را

بپذیریم؟ شهریاری به درستی تأکید کرد که با بودجه نظامی‌ای که نصف‌اش «خرج یقه و بند بوتین» می‌شود، نمی‌توان در برابر چنین ابرقدرتی ایستاد و شعار «منهدمش می‌کنیم» سر داد. ثابتی در این مناظره تلاش کرد، فضایی ایجاد کند که گویی مذاکره با آمریکا، تحمیلی بر رهبری بوده است. شهریاری اما با قاطعیت پاسخ داد: «اینکه بگویند، مذاکره و تفاهم به رهبر انقلاب تحمیل شد، توهین به رهبری است». او با استناد به تأکید مکرر رهبر شهید بر اینکه «دولت کار خودش را بکند» و نیز تأیید شخصیت‌هایی چون عراقچی توسط ایشان، نشان داد که دیپلماسی نه‌تنها مغایر با خط رهبری نیست بلکه مورد تأکید و تأیید ایشان بوده است. شهریاری در دفاع از برجام



نیز صریحاً گفت: «از برجام دفاع می‌کنم چون جنگ را عقب انداخت». این جمله، تلخیصی هوشمندانه از تمام منطق ضدجنگ اوست؛ هر توافقی که جنگ را به تعویق بیندازد به قیمت جانی که می‌گیرد و ویرانی‌ای که می‌آفریند، ارزشمند است.

اتهام ثابتی مبنی بر «واگذاری تنگه هرمز» نه‌تنها اتهامی بی‌اساس بلکه نشان‌دهنده نادیده گرفتن واقعیت‌های حقوقی و اقتصادی این گذرگاه راهبردی است. شهریاری با صراحت تأکید کرد که تنگه هرمز طبق کنوانسیون‌های حقوقی جزو آب‌های بین‌المللی است و باز بودن آن به نفع کشور است. او با نگاهی واقع‌بینانه، هزینه‌های بستن تنگه را تشریح

کرد: «با محاصره دریایی، نه نفتی صادر و نه کالای اساسی وارد می‌شود». همچنین با محاسبه‌ای روشن‌گرانه نشان داد که درآمد احتمالی ۵ تا ۶ میلیارد دلاری از اخذ عوارض در برابر صد برابر هزینه برای کشور هیچ توجیهی ندارد. او این ادعا که می‌توان ۸۰ یا ۵۰۰ میلیارد دلار درآمد کسب کرد را «متوهمانه» خواند.

شاید جسورانه‌ترین و دموکراتیک‌ترین موضع شهریاری در این مناظره، پیشنهاد رفراندوم درباره ادامه جنگ یا مذاکره بود. او با این پیشنهاد، ثابتی و هم‌فکرانش را به چالش کشید که آیا حاضرند رأی ۸۰ درصدی مردمی که به باور شهریاری موافق مذاکره هستند را بپذیرند یا نه. این پیشنهاد، پاشنه آشیل گفتمان جنگ‌افروزان را نشان می‌دهد: اگر واقعاً به مردم باور دارید چرا از داوری آنان می‌هراسید؟

محمدمهدی شهریاری در این مناظره، صدای عقلانیت برخاسته از تجربه‌ای بود که از نوجوانی در خط اول جبهه با پهای سنگین، جنگ را با جان خود لمس کرده و به‌درستی می‌داند که شعار جنگ، در شرایطی که دشمنی به ۱۲۰۰ میلیارد دلار بودجه نظامی در برابر ما ایستاده، نه‌تنها شجاعت که ساده‌لوحی محض است. از نظر این نماینده مردمی وطن‌دوستی واقعی، نه در فریاد «می‌کشتمان» که در تلاش برای حفظ جان مردم و جلوگیری از ویرانی کشور معنا می‌یابد. در زمانی که برخی با شعارهای توخالی و اتهام‌زنی بی‌اساس، کشور را به سمت پرتگاه می‌کشاند، صدای عقلانی شهریاری پناهگاه خردورزان واقعی این مرزوبوم است.

شناسه آگهی ۲۲۳۷۱۱۷نوبت دوم

سازمان راهداری و حمل و نقل جاده‌ای

استان ایلام

تاریخ انتشار فراخوان: مورخ ۱۴۰۵/۰۵/۰۳ (مطابق با تاریخ انتشار در سامانه)

آخرین مهلت دریافت اسناد: مورخ ۱۴۰۵/۰۵/۰۵

آخرین مهلت ارائه اسناد و پیشنهاد قیمت: مورخ ۱۴۰۵/۰۵/۲۵

محل تحویل پاکت الف به صورت فیزیکی: دبیرخانه سازمان / اداره کل راهداری و حمل و نقل جاده‌ای استان ایلام واقع در بلوار مدرس

محل تحویل پاکت ارزیابی کیفی و الف و ب و ج به صورت الکترونیکی: سامانه تدارکات الکترونیک دولت به نشانی www.setadiran.ir

تاریخ بازگشایی پاکت ارزیابی کیفی: مورخ ۱۴۰۵/۰۵/۲۶

محل بازگشایی پاکت: دفتر مدیر کل

مهلت اعتبار پیشنهاد قیمت: ۳ ماه از تاریخ کارانه پیشنهاد

* سایر اطلاعات و جزئیات در اسناد مناقشه مندرج است»(طبق آیین نامه معاملاتی سازمان این جمله باید در آگهی ها درج شود)

محل دریافت اسناد : سامانه تدارکات الکترونیک دولت به نشانی www.setadiran.ir

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

برابر رای شماره ۱۴۰۵۶۰۳۰۹۰۳۰۰۰۴۹۰ مورخ ۱۴۰۵/۰۳/۱۴ هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک شهرستان البرز قزوین تصرفات مالکانه بلا معارض متقاضی نسبت به ششدانگ یک باب ساختمان به مساحت ۱۶۰/۲۸ متر مربع مفروز و مجزا شده از ۱۳ اصلی پخش ۵ البرز قزوین خریداری مع الواسطه از آقایان ذبیح اله و حسن محمدخانی به استناد گزارش وارده به شماره ۶۱۰/۱۴۰۵/۱۲۵ مورخ ۱۴۰۵/۰۵/۲۱ کارشناسان هیات و گواهی عدم دسترسی به سایر مالکین مشاعی به اجرای بند الف ماده یک قانون تعیین تکلیف تصرفات متقاضی نسبت به مورد تقاضا احراز گردیده و بررسی های محلی کارشناس که حکایت از عدم تعارض و بلا منازع بودن تصرفات متقاضی دارد لذا مالکیت آقای سلیمان خانی به شناسنامه شماره ۱۵۱ کد ملی ۱۶۰۲۲۳۹۵۶۲ صادره هشتروند فرزند عیسی در ششدانگ یک باب خانه مسکونی به مساحت ۱۶۰/۲۸ متر مربع مفروز و مجزا شده از پلاک شماره ۱۳ اصلی واقع در قزوین بخش ۵ حوزه ثبت ملک شهرستان البرز قزوین محرز گردیده است لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ آگهی می شود در صورتی که اشخاص حقیقی و حقوقی نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید طرف مدت یکماه از تاریخ تسلیم اعتراض دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.

شناسه آگهی: ۲۲۱۸۷۷۵

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۵/۰۴/۲۱

تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۵/۰۵/۰۵

سیروس محمد بیگی
سرپرست اداره ثبت اسناد و املاک شهرستان البرز

آگهی موضوع ماده ۳ و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین و تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان های فاقد سند رسمی

برابر رای هیات مندرج در پرونده ثبتی موضوع قانون تعیین و تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی ناحیه ۲ رشت ، تصرفات مالکانه بلامعارض آقای خسرو منسومی فرزند محمود به میزان ششدانگ یک قطعه زمین مشتمل بر بنای احدانی به مساحت ۸۷۱۶/۷۵ متر مربع به شماره پلاک فرعی ۱۴۸ مفروز مجزی از پلاک ۳ از اصلی ۲۵ واقع در قریه صیقان ورزل بخش چهار رشت خریداری مع الواسطه از مالک رسمی آقای علیگل حسینی محرز گردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید طرف مدت یکماه از تاریخ تسلیم اعتراض دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.

م الف ۲۴۶۶ شناسه آگهی: ۲۲۲۲۰۵۲

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۵/۰۴/۲۰ تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۵/۰۵/۰۵

علی غلامعلی زاده رودکلی

آگهی ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آیین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

حوزه ثبت ملک ناحیه دو رشت
هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی
برابر رای هیات مندرج در پرونده موضوع قانون تعیین و تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ملک ناحیه ۲ رشت ، تصرفات مالکانه بلامعارض خانم زیت سادات میر پادیاپ فرزند سید رضا به میزان ششدانگ یک قطعه زمین مشتمل بر بنای احدانی به مساحت ۲۲۴۷/۹۹ متر مربع به شماره پلاک فرعی ۳۰۶ مفروز مجزی از پلاک ۷۰ از اصلی ۵ واقع در قریه توسروندان بخش چهار رشت خریداری مع الواسطه از مالک رسمی رحمرز آقای سید جمال حسینی محرز گردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید طرف مدت یکماه از تاریخ تسلیم اعتراض دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد. م الف ۳۰۶۴ شناسه ۲۲۲۵۲۵۵

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۵/۰۵/۰۵ تاریخ انتشار نوبت دوم ۱۴۰۵/۰۵/۲۰

علی غلامعلی زاده رودکلی
رئیس اداره ثبت و املاک ناحیه دو رشت
از طرف محمد فلاح نونکار

آگهی ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آیین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

حوزه ثبت ملک ناحیه دو رشت
هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی
برابر رای هیات مندرج در پرونده موضوع قانون تعیین و تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ملک ناحیه ۲ رشت ، تصرفات مالکانه بلامعارض آقای مجتبی مکرمی سفید آب فرزند معرفت به میزان ششدانگ یک قطعه زمین مشتمل بر بنای احدانی به مساحت ۳۳۰/۷۵ متر مربع به شماره پلاک فرعی ۴۶۲۹ مفروز مجزی از پلاک ۹ از اصلی ۲۸ واقع در قریه لاکان بخش چهار رشت خریداری مع الواسطه از مالک رسمی آقای حسن رحمت سمیعی محرز گردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید طرف مدت یکماه از تاریخ تسلیم اعتراض دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد. م الف ۳۰۶۹ شناسه ۲۲۲۵۲۸۴

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۵/۰۵/۰۵ تاریخ انتشار نوبت دوم ۱۴۰۵/۰۵/۲۰

علی غلامعلی زاده رودکلی
رئیس اداره ثبت و املاک ناحیه دو رشت
از طرف محمد فلاح نونکار

موضوع: آگهی ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

سازمان ثبت اسناد و املاک کشور
اداره ثبت اسناد و املاک حوزه ثبت ملک جنوب اصفهان
هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی
موضوع: آگهی ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی
برابر رای شماره ۱۰۰۸ مورخ ۱۴۰۵/۳/۲۰ هیات اول موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک جنوب اصفهان تصرفات مالکانه بلا معارض متقاضی ، مالکیت آقای خدایبخش گلی به شناسنامه شماره ۴۴ کدملی ۱۱۹۹۲۱۶۱۱ صادره شهرضا فرزند ابراهیم در ششدانگ یک قطعه زمین کشاورزی ، بدون درج اعنایی و با کاربری کشاورزی (با توجه به نامه اداره جهاد کشاورزی)به مساحت ۵۱۶۵۰ متر مربع پلاک شماره ۴۶۱۶ اصلی واقع در اصفهان بخش ۵ حوزه ثبت ملک جنوب اصفهان مع الواسطه و به موجب بیع نامه عادی از طرف آقای نعمت اله صادقی دستجردی (مالک رسمی به متقاضی)الگزار گردیده است و متقاضی نیز به موجب یک فقره استشهادیه محلی که به تأیید شهود محلی رسیده است اعلام داشته به مالک رسمی فوق الذکر دسترسی ندارد لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید طرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد. شناسه آگهی: ۲۲۱۹۴۱۴

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۵۰۴۰۲۱ تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۵۰۵۰۰۵

حسین عینی-رئیس ثبت اسناد و املاک منطقه جنوب اصفهان

@saazandeginews

saazandeginews

www.saazandegi.ir

سازندگی